



نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

The Zoroastrian Journal

شماره ۱۲ - زمستان ۳۷۴۶ زرتشتی، ۱۳۸۷ خورشیدی، ۲۰۰۹ ترسای



## در این شماره:

- جشن سده فرخنده باد
- اسفندگان، بزرگداشت مادران
- جشن چهارشنبه سوری
- همایش فرهنگی و ارج گذاری
- بازمانده های فرهنگی

استاد دکتر علی اکبر جعفری



## ماهنامه زرتشتیان



یادداشت سردبیر

• فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی، ادبی

• زمستان ۳۷۴۶ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۷ خورشیدی برابر با ۲۰۰۹ ترسای

• شماره دوازدهم، تیراژ ۵ هزار نسخه

• سردبیر: مهرداد ماندگاری

• زیر نگر:

• گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

• زمان انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار

• رایانه: رامین شهریار

• تایپ و صفحه بندی از: حسن علیزاده

• چاپ: LA WEB PRESS

• بخش از: واهیک آبقاریان

• همکاران گروه انتشار:

• شهروز اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، مهرداد شهریار، موبد دکتر رستم وحیدی

• دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری دادند:

• نسرين اردیبهشتی، توران بهرامی شهریار، خداداد خدابخشی، دکتر علی اکبر جعفری، موبد کورش نیکنام، دکتر ناصر انقطاع، دکتر خسرو خزایی، دکتر پرویز کویایی، پرویز منوچهری

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد.

• نوشتارها می باید با خط خوانا نوشته شده باشد.

• گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی شوند.

• نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشد.

• با یاری و سپاس از سایت های:

CZC.org

Oshihan.org

Amordad.net

Kniknam.com

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فرتورها (عکس ها) و پیشنهاد های خود را به نشانی info@czcJournal.org برای مرکز بفرستید. فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org

می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

## سخن نخست

همفکری و همبستگی شما خوانندگان و مهرورزان به این ماهنامه همه ما را دلگرم کرده و به ما انرژی می دهد. تعداد تلفن ها و ایمیل های شما خوانندگان از سراسر آمریکا به اندازه ای است که ما نه تنها فکر آن را نکرده بودیم بلکه نمیدانیم چگونه جوابگوی شما باشیم.

همانگونه که بارها گفته ایم نیرویمان کم و پولمان کمتر است. به تازگی یک حساب در بانک واشنگتن میوچال باز کرده ایم که شما دوستان و مهرورزان بتوانید به آسانی هر چه که در توان داشته باشید با ریختن پول به آن حساب به این ماهنامه کمک کنید. نشانی و نام و شماره حساب ما در آگهی این شماره به چاپ رسیده است.

باری برگردم به تلفن ها و ایمیل های شما خوانندگان که برای پاسخ دادن به آنها وقت زیاد می گیرد. نیمی از ایمیل ها و پیام های شما برای دریافت و یا اشتراک این نشریه و به ویژه در استان های دور از کالیفرنیا می باشند. و نیم دیگر پرسش هایتان در باره ی فرهنگ و زبان و تاریخ و دیگر چیزها. تا آنجا که در توان دارم و از آن آگاه هستم به آنها پاسخ داده و چندی از پرسش های زبان پارسی را از همکار گرامی و استاد زبان، دکتر آزادی کمک می گیرم.

چندی پیش تلفنی داشتم که از من پرسیده شد که چرا در باره ی درگذشت (رحلت) زرتشت و تاریخ و مکان آن چیزی نوشته ایم و کی و آرامگاه او در کجا می باشد و مراسم سوگواری (عزاداری) زرتشتیان چگونه است؟

شاید بد نباشد که برای دوستان غیر زرتشتی بگویم که زرتشتیان برای سالروز درگذشت زرتشت سوگواری ندارند و با برپایی آیین های گوناگون نیایش و رفتن به آرامگاه های زرتشتیان یاد پیامبر بزرگوار را گرامی می دارند.

برابر با سالنامه زرتشتیان در روز خور، از دی ماه و برابر با پنجم ماه دی روز درگذشت اشوزرتشت پیامبر ایرانی می باشد که برابر با گفته ها و نوشته های تاریخی در سن ۷۷ سالگی به دست توربراتور کشته شد. آرامگاه او بدرستی آشکار نیست ولی گروهی آن را در افغانستان کنونی و در مزارشریف می دانند.

دین زرتشت آیین شادمانی است و پیروان زرتشت شادبودن و خوش زیستن را برگزیده و از افسردگی و سوگواری دوری می کنند. در آیین زرتشت جشن و شادمانی یکی از راه های نیایش و ستایش پروردگار و نزدیک شدن به اوست. در آیین زرتشت همه جا سوگ و شیون و گریه زشت شمرده شده و از کارهای نادرست می باشند. در نوشته های زرتشتی و تاریخی آمده که زنان و مردان نیکوکار همواره پس از مرگ روانی شادمان دارند و در جای والا می باشند. و شیون و زاری در پس در گذشتگان ناسپاسی به درگاه پروردگار خواهد بود. در نوشته های تاریخی زرتشتی آمده که هر چیزی که انسان را بسوی تنبلی و تاریکی و تباهی میرد از جمله سوگواری و شیون و زاری و گریه و هر چه انسان را از پیشرفت باز می دارد، از کارهای اهریمنی بشمار می آید و این کارها بر یک انسان درستکار و نیکوکار جایز نمی باشد.

اینجاست که آمده که باید بسوی گسترش شادی و جشن ها و پایکوبی و پیشرفت و روشنایی و کوشندگی و رویش گیاهان و جانوران سودمند و مهریزی و همبستگی و آبادانی پیش رفت. در بینش زرتشت خوشبختی و آسایش تنها با کوشش و تلاش و از راه راستی و درستی به دست می آید. سالروز درگذشت اشوزرتشت، پیامبر آریایی را گرامی می داریم و شادی روان تمام در گذشتگان نیکو کار را از پروردگار خواهانیم.

این چنین باد که آرزو داریم.

## درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شمار، افزایش برگها و بهسازی نوشتارها هستند و توان دادن یاری های پولی دارند خواهشمندیم چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک واشنگتن میوچال رفته یارانه ی خود را به

حساب شماره ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزید.

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Washington Mutual Bank

Account # 421-334675-6

مهرافزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

## فرخنده جشن سده

سروده: بانو توران بهرامی (شهریاری)

ای آتش گرم و روشن و پاک  
وی بال گشوده سوی افلاک  
نام سده را نهاده بر خویش  
عمرت ز هزاره ها بود پیش  
بس راز کهن به دل نهفتی  
از آن به کسی سخن نگفتی  
آئینه مردمان پاکی  
پر جذبه و گرم و تابناکی  
شه نامه که پیک راستان است  
یادآور عهد باستان است  
اینگونه تو را نموده تصویر  
ای آتش جلودان و پی گیر  
هوشنگ خدیو پیشدادی  
یک رو پی شکار و شادی  
بر اسب شهی سوار گردید  
در دشت پی شکار گردید  
ناگاه کنار مشت خاری  
افتاد نگاه او به ماری  
برداشت به چابکی یکی سنگ  
افکند به سوی مار شبرنگ  
آن مار خزید و جان بدر برد  
و آن سنگ به سنگ دیگری خورد  
ناگاه شراره ای بیافروخت  
هر خار و خسی که بود از آن سوخت  
آن شعله خرد گسترش یافت  
گرمی و فروغ از آن برون تاخت  
پیدایش آتش از همین جاست  
هر چند در این میان سخنهاست  
در روز دهم ز ماه بهمن  
شد آتش جاودانه روشن  
جشن سده گرم و شادی افزا  
زان روز ستاده پای بر جا  
آغاز گر تمدن است آن  
شد حاصل از آن رفاه انسان  
ز نهار که هدیه ای خدایی است  
روشنگر قوم آریایی است  
دیده است هزار زیر و بم را  
که شادی و شور و گاه غم را  
ننمود به کس اگر چه احوال  
جشنی است چومهرگان کهنسال  
پیری است که بس هزاره دیده  
که گفته و که گهی شنیده  
که دارد به خلق شور و شادی  
که رفت به مرز نامردی  
افسرد ولی نگشت خاموش  
از خاطره ها نشد فراموش  
ز نهار اگر زبان گشاید  
بس راز نهفته را نماید  
گوید به تو هر وجه از این خاک  
از آتش عشق شد چنین پاک  
از خون دل دلاورانش  
سرخ است شفق در آسمانش  
فریاد برآورد که ایران  
هرگز نشود خراب و ویران  
این ملک ز بس که زیر و بم دید  
چون آهن آبدیده گردید  
آیین سده نماد هستی است  
راهی به سوی خداپرستی است  
ایرانی پاک زاده ز نهار  
زین آتش گرم را نگه دار  
چون شعله عشق جاودان است  
یادآور آتش مغان است

## استاد دکتر علی اکبر جعفری

دکتر علی اکبر جعفری

## یلدا هیچ وابستگی به مهر ندارد



نام: علی اکبر جعفری

زادگاه: کرمان در ۱۸ بهمن ۱۲۹۹ خورشیدی

دارای همسر و چهار فرزند و هشت نوه و یک نیره

آموزش: از کودکی در دانشگاه در کراچی

(پاکستان) - دکتر در زبان و ادب پارسی.

کارآزمودگی: مردم شناسی در عربستان سعودی

و ایران - دارای ترجمه خانه به نام Jeffrey's

Translanguages در تهران و پیمانکار شرکت

نفت ایران برای کارهای «ترجمه و پژوهش» ۱۳۲۵

تا ۱۳۴۳ - کارمند وزارت فرهنگ و هنر چون

رئیس بخش روابط فرهنگی با کشورهای آسیایی

و آفریقایی در تهران و سپس با ماموریت ویژه

فرهنگی «مدیر مرکز تحقیقات ایران و پاکستان» در اسلام آباد و سپس «مشاور وزیر» و سپس «مدیر

کل مرکز مردم شناسی ایران» ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۹.

کاردانی: تاریخ و ادب ایران باستان، دین شناسی، مردم شناسی و زبان شناسی.

زبان دانی: با پارسی و اردو و عربی و انگلیسی و برخی از زبانهای هندو ایرانی، چهارده زبان.

استاد و آموزگار: زبانهای اوستا، پارسی باستان، پهلوی و پارسی در تهران (انجمن فرهنگ ایران باستان)،

کراچی، (دبیرستان پارسی)، اسلام آباد (دانشگاه اسلام آباد)، استاد و سرپرست کرسی «دین زرتشتی

و دینهای برجسته جهان» (دانشگاه سینتا، وابسته به انجمن دوستاران زرتشت تا سال ۱۳۸۵)، آموزگار

دینی (انجمن فرهنگ ایران باستان، سازمان زنان زرتشتی، فروهر سازمان جوانان زرتشتی در تهران،

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در آناهیم و وست مینستر و انجمن دوستاران زرتشت (جدا جدا و در

زمان های ۱۳۱۹ تا این زمان)

نویسنده چهارده کتاب به پارسی و انگلیسی در زمینه های دین و آیین زرتشتی، فرهنگ، هنر، تاریخ و

جغرافیای ایران زمین و همسایگان.

یکی از بنیان گذاران و زینهار داران انجمن دوستاران زرتشت (سازمان دینی «غیر انتفاعی و غیر

سیاسی) و سرپرست کارهای دینی انجمن از ۱۳۶۸ تاکنون.

کتاب های نوشته شده از دکتر علی اکبر جعفری به پارسی:

۱ - پیام زرتشت - تهران ۱۹۷۴

۲ - هفت هات - تهران ۱۹۷۴

۳ - گلچینی از خرده اوستا - تهران ۱۹۷۶ (از سوی انجمن زرتشتیان تهران)

۴ - زرتشت و دین بهی - تهران ۱۹۷۶ (از سوی انجمن زرتشتیان تهران)

۵ - ستوت یسن - تهران ۱۹۸۰ (از سوی سازمان جوانان زرتشتی تهران)

۶ - خرده اوستا با همکاری دکتر مهربان خداوندی - کالیفرنیا ۱۹۸۳

۷ - پیام زرتشت اسپنتمان - کالیفرنیا ۱۹۸۵

۸ - آشنایی با زرتشت - کالیفرنیا ۱۹۸۹

۹ - دین بهی زرتشتی و زرتشتیگری - کالیفرنیا ۱۹۹۷

و ده ها نوشتارهای پژوهشی و آموزشی در مورد دین زرتشتی و فرهنگ ایران باستان که در بسیاری از

مجلات و روزنامه های فرهنگی و پژوهشی از گذشته تاکنون به چاپ رسیده است.

کتابهایی که به انگلیسی چاپ و پخش شده اند:

1- YASNA Haptahati, Tehran 1975

2- good Conscience, Pakistan 1976

3- The Passing Away of Asho Zarathushtra, Pakistan 1980

4- Faravarane, I choose for myself the Zoroastrian Religion, Calif 1988

5- The GATHAS, Calif 1989

6- An Outline of the Good Religion of Zarathushtra, Calif 1982, 2008

7- Zarathushtrian Ceremonies, Calif 1992

8- An Outline of the Zarathushtrian Religion & ...Calif 2008

9- The AVESTA at Galance, Calif 1999

10- The Zarathushtrian Religion, Calif 2008

## پیام زرتشت ، پیامی جهانی

هر سه جشن بر همه ی ما خجسته باد!

«یلدا» به زبان سریانی «زایش» را گویند و این واژه از ریشه ی سامی «یلد..زادن» برآمده است. یلدا به تازگی به جای «شب چله» ایرانی بر زبانها افتاده است و این شب که یکم ماه دی برابر با ۱۹ یا ۲۰ دسامبر، درازترین شب سال است، از یکم دی تا سی و یکم ماه خورداد برابر با ۲۰ جون (ژوئن)، همچنان درازتر و درازتر می گردد تا باز به شب یکم دی برسد. این شب را «شب چله» برای این می خوانیم که چهل روز پس از این، جشن سده، جشن آتش افروزی است و آن یادگار روزی است که انسان دریافت که با زدن دو سنگ چقماق، می تواند آتش افروزد و این داستان شیرین در شاهنامه ی فردوسی در باره ی شاه هوشنگ پیشدادی خوش سروده شده است.

باری به تازگی، از کمابیش پنجاه سال به این سوی، کسانی شب چله را شب زایش مهر می پندارند و برای همین هم واژه ی یلدا را برتری می دهند. مهر به اوستا «Mithra...متر» و به سانسکرت «متر» است. او یکی از خدایان برجسته ی هندوایرانی است که پس از اشو زرتشت اسپنتمان از ایزدان خوانده شد. این واژه از ریشه ی «mit..میت» که «پیوستن» باشد، برآمده است و به چم «پیوندی، همبستگی، هموندی و دوستی، و «هموند و دوست» به کار رفته است. در رگ ودا، کهن ترین سخنان هندی «متر» هموند خدای بزرگ «ورون..Varuna» است و در نگهداری و پاسداری آفرینش همدست او است. در اوستا از او همواره «مهر دارنده ی چراگاه های پهناور» یاد شده است زیرا او سرپرست نگهداری و هموندی و همیاری ایرانیان دامدار بوده و سخت پاسدار دستورهایی بوده که تیره های دامدار را در پرورش و چرانند چارپایان راهنمایی می کرده است. او به کسانی که از دستورها پیروی می کردند، بسی پادشاهی سودمند در زندگانی شاد و آباد می بخشیده و به کسانی که پیروی نمی کردند، سخت سزا می داده است. همین کار او را در پی زمان، پاسدار جنگ و پیروزی ایرانیان می گرداند. مهریشت در ستایش مهرایزد بلندترین یشت اوستایی است و دارای بهترین شناسایی اوستا.

باری در هیچکدام از نوشته های هندوایران، از رگ ودا و دیگر نوشته های سانسکرت گرفته تا اوستا و پهلوی و پارسی، یادی از زایش و زادروز مهر نشده که نشده. پس از کی گمان زادروز مهر در میان ایرانیان پدید آمده است؟ بیایم و نگاهی به تاریخ درازترین شب سال بکنیم.

رومیان، مانند دیگر مردمان، خورشید را یکی از برجسته ترین خدایان می دانستند و آنان ۲۵ دسامبر را «زادروز خورشید شکست ناپذیر...Dies Natalies Solis Invicti» را جشن می گرفتند. آنان خدای برجسته ی دیگری نیز داشتند و آن مهر (Mithras) بود و برای همین هم باور آنان را مهرپرستی (Mithraism) می خوانیم. پژوهشگران می پذیرند که نام مهر را رومیان در سده ی دوم ترسایی از ایرانیان گرفتند ولی بیشتر شان می گویند که تنها نام مهر و اندکی از کارهای او را گرفتند و دیگر هر چه داشتند از باورها و آیین های خود داشتند و مهرپرستی رومیان را نمی توان ایرانی دانست. رومیان مهر و خورشید را دو خدای جداگانه می دانستند و درازترین شب سال را شب زایش یا «باز زایش» خورشید می گفتند و این شب هیچ بستگی به مهر نداشت.

مهرپرستی رومیان تا زمان امپراتور قسطنطین (Constantine) (۲۷۴ تا ۳۳۷ ترسایی) بر سر کار بود و همین که او به دین ترسایی گروید و آن را دین رسمی خواند، مهرپرستی پس رفت و رفته رفته از میان رفت. با این همه، بسیاری از باورها و آیین های رنگین مهرپرستی را او نگاه داشت و یکی این بود که زادروز خورشید شکست ناپذیر را زادروز «عیسی مسیح» بخوانند. از این روی واژه ی سریانی «یلدا» به کار افتاد و خواست آن زادروز عیسی بوده است. ناگفته نماند که صدها سال پیش از رومیان، مردمان اروپای شمالی درازترین شب سال را «یول..Yule» به چم «چرخ» و این جشن را به نام «یولتاید.. Yuletide» یا «زمان چرخ» از ۲۴ دسامبر تا ۶ ژانویه برگزار می کردند. با گذشت زمان و گسترش دین ترسایی، یولتاید با «کریسمس تایید...Christmastide» یکی شد و این واژه ی یلدا را نیرو بخشید. سالها و سالها گذشت و فرانز کومت (Frnaz Cumont) نوشته ی خود را در باره ی رازهای نوشته ها و نشانهای وابسته به مهر را در سال ۱۸۹۴ به چاپ رساند و برگردان آن به انگلیسی به نام «Texts and Illustrated Monuments to the Mysteries of Mithra» نیز در ۱۹۰۳ چاپ شد.

این برخی از دانشمندان ایرانی را تکانی داد و آنان جنبشی را آغاز کردند که مهرپرستی رومی، مهرپرستی ایرانی بوده است و ایرانیان پیش از اشوزرتشت باور مهر پرستی را داشتند. این کار آنان، جشن زادروز خورشید شکست ناپذیر را نیز به مهر وابست. جای شگفت است که تا به امروز، هیچ کدام از این دانشمندان نتوانسته اند که دین یا باور مهرپرستی را از سرچشمه ی هندوایرانی که همان سانسکرت و اوستا و پهلوی و دیگر زبان های وابسته یا از راه باستان شناسی نشان دهند. می دانیم که در برخی از نوشته های تازی و فارسی زمان اسلامی ایران، مهر را با خورشید یکی گمان کرده اند و پیداست که بر پایه ی مهرپرستی رومیان بوده است و نه بر پایه ی نوشته های ایرانی.

به هر روی، جنبش خورشیدی رومیان را وابستن به مهر ایرانی با جوش و خروشی آغاز شده و پیش می رود و کار بجایی رسیده که یک کس چه دانشمند باشد یا نه، چشم بسته «یلدا را شب زایش» مهر ایزد می گوید و می نویسد و به ایرانیان «خجسته باد» می گوید.

این نوشته برای روشن ساختن این گمان نادرست آماده شده و نه برای پذیرفتن شب چله. آن را چه به نام درستش «شب چله» یا چون «یلدا» بگویم، جشنی است برجسته ی ایرانی و باید آن را با هر چه شادی بیشتر برگزار کرد و در این میان، برادران و خواهران ترسایی را زادروز عیسی مسیح و برادران و خواهران یهودی را جشن «هانوکا» جشن روشنایی خجسته باد گفت و همه در جشن های یکدیگر انباز و همدست باشیم.



## برگزاری آیین های کهنسال گاهانبار در آمریکا

موبد دکتر رستم وحیدی



## آیین گهنباز:

آیین گهنباز همواره به عنوان یک آیین دینی - اجتماعی در میان زرتشتیان اجرا گردیده که کاربرد دین در اجتماع را به خوبی نشان می دهد. در این آیین نقش موبدان سرانیدن سرودهایی از اوستا است که آفرینگان گاهانبار نام دارد. این آفرینگان برداشتی از هادخت نسک ( کتاب بیستم از مجموعه اوستای ساسانی) می باشد. همراه

با این سرایش ها میوه و غذاهای موجود در سفره آئینی برکت گرفته و برای خوردن و نوشیدن میان افراد حاضر در آیین به وسیله دهموبد پخش می شود.

در این آیین ها باید همه زرتشتیان از توانمند و ندار شرکت نمایند و کسانی که دارای زمین، سرمایه یا دسترنج کار هستند، شایسته است که داد و دهش کنند تا از این کمک دینی، به کسانی که نیازمند هستند، خوراک و مسکن و کار داده شود. در این سیستم برای کمک و یاری به نیازمندان در گاهانبارها موبدان نقش اساسی را دارند و اگر چه کمک به گاهانبار زیر نظر موبد انجام می شود، ولی موبد را جز آنچه مانند همه از میزد ( خوراکی ها ) میخورد و می آشامد، بهره ای نیست و باید همه دهش ها و کمک ها صرف کمک های اقتصادی و رفع نیازمندی های مردم جامعه بشود.

در دوران پیش در هر سال شش بار گاهانبار برگزار می شده و هر یک مدت پنج روز ادامه می یافته است. هر گاهانبار نام ویژه ای دارد که به زبان اوستایی است.

زرتشتیان مقیم ایران و هندوستان از دیرباز این آیین ها را برگزار می کنند و پس از مهاجرت گروهی از زرتشتیان به اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز برگزاری گاهانبارها به همت بزرگان و مردم عادی و همراهی و همکاری موبدان ادامه یافته است.

## واژه گاهانبار و نام گاهانبارها:

واژه گاهانبار یک واژه فارسی میانه یا پهلوی ( مادر زبان فارسی ) است که به صورت g's'nbl حرف نویسی میشود و میتوان آن را gāsānbar یا gāhānbar خواند. این واژه به معنی هنگام بار (= محصول) یا هنگام انبار کردن است. این واژه در زبان اوستایی و فرس باستان ( دو نیای زبان فارسی ) نیامده و در اوستا به آیین گاهانبار، سالانه یا yairya گفته می شده است.

در یسنا که مهمترین بخش اوستا است، یائیریه ها نام برده شده و به آنها ستایش شده است ( یسنا ۱/۹ ). در این سرود اوستایی پس از ستایش به اهورامزدا بزرگ و شکوهمند، و ستایش امشاسپندان ( نیروهای برتر اهورایی )، به گاه های گوناگون شبانه روز ( بامداد و نیمروز و شب ) و مهر ایزد درود گفته می شود و سپس به سروش و ماه که دو ایزد نگهبان جهان در شب هستند نیایش می شود. ستایش چهره های (= فصل های ) گاهانبار در بند ۹ آغاز میگردد.

## آفرینش جهان:

برابر نوشته های دینی دوره ساسانی، که به نظر برخی پژوهندگان در بر گیرنده مطالب بخشهای گم شده اوستایی است، آمده که آفرینش جهان در یک سال صورت پذیرفت و هر یک از پدیده ها در یکی از شش گهنباز خلق گردید. در بن دهش فصل بیست و پنجم می خوانیم که:

" آفرینش جهان از من (= اهورامزدا) در سیصد و شصت و پنج روز که شش گاهانبار سال باشد، انجام گرفت. " طبق این روایات، در گاهانبارها به ترتیب آسمان، آبها، زمین، گیاهان، جانوران و انسان آفریده شده است.

## گاهانبار جهانی:

امروز دیگر جامعه زرتشتیان جهانی شده است و از حالت محلی و ملی به صورت گسترده جهانی دیده می شود. زرتشتیان در کشورهای گوناگون جهان دارای سازمانها و انجمن های قوی و توانمندی هستند. یکی از بهترین آیینی که زرتشتیان می توانند به صورت جهانی داشته باشند، گهنبازهای جهانی است. با برگزاری گهنبازها به صورت جهانی، علاوه بر سازماندهی برای اجرای آیین دینی به طور همزمان در همه کشورهای دارای جامعه زرتشتیان، میتوان تشکیلات مناسب و مذهبی بسیار قوی برای حمایت از همه زرتشتیان در هر سرزمینی که هستند، پی ریزی نمود. این تشکیلات حتی میتواند به حمایت از غیر زرتشتیان که نیازمند کمک های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی می باشند نیز پردازد. چرا که گاهانبارها آیین دینی بسیار کهنی هستند که فقط ویژه زرتشتیان نبوده و برای کمک و حمایت از همه نیازمندان و یاری جویان است. باز در روایات دینی آمده است که به جای آوردن یزشن ( جشن خوانی در گاهانبار ) موجب تندرستی و جاودانگی می گردد. این است که همه زرتشتیان در هر کجای جهان که هستند، بر پایه این باور آئینی در برگزاری گهنبازها شرکت دارند و با داد و دهش به یاری هم نوعان خود می پردازند. چه زیباست این آیین تقویت شود و گاهانبارها به صورت جهانی با هماهنگی و ارتباط همه پیروان راه راستی سازمان دهی گردد. چه زیباست که ما زرتشتیان برای جاودانگی آیین های خود و اندیشه های خردمندانه پیامبر زرتشت، در جهانی سازی گاهانبارها گامهای موثری بر داریم. در این باره نگاه کنید به مقاله اینجانب در کنگره جهانی زرتشتیان - لندن ۲۰۰۵ ترسانی.

## نوسازی گاهانبار:

سیستم گاهانبارها بر پایه وضعیت اقتصادی قدیم جوامع زرتشتی که ارباب و رعیتی بوده استوار شده است. در این سیستم که در نوع خود بسیار مفید بوده و کار آئی دوره خود را داشته است، با نیا ن بیشتر گاهانبارها توانگران یعنی ارباب های زرتشتی بوده اند. البته بسیاری از خانواده های خرد پا و زارع نیز گاهانبارهایی را در خانه های نیایی خویش بنیاد نهاده اند که هم اکنون نیز بر پا می شود.

تشریح وضعیت گاهانبارها در خاندانهای پارسی مستلزم نگاشتن مقاله دیگری است که باید توسط خود پارسیان آگاه نوشته شود. استاد پورداوود می نویسد: شش گهنباز سال نزد زرتشتیان ایران و هند اوقات عبادت و اتفاق و خیرات است.

سیستم گاهانبار باید بر پایه وضعیت اقتصادی جدید زرتشتیان در جهان امروز باز سازی شود. از آنجایی

که در بسیاری از کشورها درآمد اصلی خانواده های زرتشتی از کار و بازرگانی تامین می شود و سیستم زمین داری تغییر کلی یافته است، داد و دهش برای برگزاری گاهانبارها نیز باید به شیوه های جدید و بر پایه وضعیت اقتصادی جدید زرتشتیان نوسازی شود. داد و دهش ها باید به صورت خیریه (donation) دریافت شود و خانواده دهش کننده بتواند از معافیت مالیاتی استفاده کند. همچنین باید از کمک های سازمانهای جهانی، بودجه های فرهنگی و همیاری های غیر زرتشتیان نیز بهره گرفته شود.

به این ترتیب املاک و موقوفات قدیمی تبدیل شوند و در نهادگ ها بازسازی های اقتصادی صورت گیرد. این کار میتواند از وظایف اصلی سازمان جهانی گهنباز باشد. در صورتی که صندوق جهانی گاهنبار تشکیل شود، وجوه کافی برای بازسازی و ثمربخشی نهادگ های گاهانبارها می تواند صرف شود.

## داد و دهش:

داد و دهش از ویژگی های دین زرتشتی است. امروز داد و دهش که کمک و اعانه نامیده می شود، به یک تفکر جهانی تبدیل شده است و کشور ها و حتی موسسات بزرگی تشکیل شده که به نیازمندان دیگر سرزمین ها کمک و یاری می رسانند. برخی از این موسسات تا آنجا قوی شده اند که برنامه های خود را با هماهنگی یونسکو و یونسف در جهان اجرا می کنند. زرتشتیان نیز که از دیر باز به عنوان خیر و راستین شناخته شده اند باید بتوانند در جهان کنونی با تکیه بر آرمانهای یک رسم مذهبی قدیمی، یعنی گاهانبار، مقوله دینی و تاریخی جامعه خویش را که داد و دهش و خوشبختی برای خوشبختی دیگران است، زنده و پویانه نگاه دارند. چگونه؟ با جهانی سازی و نوسازی گاهانبار.

## پیوند های گروهی:

ارتباطات اجتماعی زرتشتیان در جهان امروز آن سان که بایسته یک جامعه دینی زنده و پویا است، توانمند و فراگیر نیست. یکی از علل اصلی آن کمبود برنامه های جهانی اجتماعی است. ارتباطات اجتماعی زرتشتیان که برای شناسایی و رای زنی فرهنگی و هویتی ما بسیار مهم است، بدون هیچ هماهنگی و سازماندهی به حال خود رها شده است. رسانه ها، خبرگزاری ها و کتابها کمتر از زرتشتیان سخن می گویند. چون برنامه ها و اخبار مربوط به ما در سطوح بالائی قرار ندارد.

یکی از راه های جبران این کمبود سازماندهی برنامه های اجتماعی در قالب سازمان جهانی گاهانبار است. با هماهنگی و اطلاع رسانی وسیع اهداف، آرمانها و برنامه های جامعه جهانی زرتشتیان، که میتواند از یک رهبری خردمندانه در گاهانبارها آغاز گردد، پیوند و ارتباطات اجتماعی بهبود یافته ای ایجاد خواهد شد. چرا که به صورت تاریخی نیز گاهانبارها توانسته اند مرکز ارتباط، برنامه ریزی و حمایت از نیازمندان جامعه زرتشتیان باشند.

## آیین های دین زرتشتی در دنیای امروز:

آیین دین زرتشتی در جهان امروز نیز نمادین شده است. اگر چه این آیین ها مانند گاهانبار، برای زرتشتیان جنبه اعتقادی دارد ولی برای غیر زرتشتیان از جنبه زیبایی و کهنسالی آن اهمیت دارد. امروز در دانشگاه ها تحقیقات و پژوهشهای زرتشت شناسی بیشتر اختصاص به آیین زرتشتیان در شهر ها و روستا ها یافته است. اخیرا یکی از تحقیقات در باره دین زرتشتی با عنوان بررسی تغییرات در اجرای آیین دینی در حال انجام است. آنچه آشکار است در جهان امروز نمی توان رفتارها و آیین ها و حتی کارهای روز مره را مانند صد سال گذشته و حتی بیست سال گذشته انجام داد. همه پژوهندگان باید بدانند که زرتشتیان نیز مانند همه جوامع در زندگی فردی، خانوادگی و دینی خود، تابع تغییرات رفتاری و نگرش های جدید به زندگی و حتی برنامه ریزی نوین برای آینده هستند. آنچه مهم است شخصیت انسانی و رفتار خردمندانه ای است که هر زرتشتی را با آموزه های پیامبر زرتشت پاک پیوند می دهد.

کوتاه سخن اینکه، آیین های گاهانبار از هزاران سال پیش تا کنون باقی مانده و در جهان امروز نیز کاربرد خود را حفظ نموده است. چرا که گاهانبار از یک اندیشه خردمندانه برخوردار می باشد که از سرودهای زرتشت پاک برخاسته است: خوشبختی از آن کسی است که خوشبختی را برای دیگران بخواهد. بنا بر این ما باید برای خوشبختی دیگران بکوشیم، برای خوشبختی دیگران به گرد هم جمع شویم و داد و دهش کنیم. این است اندیشه شادمانه ای که زندگی شادمان را برای ما به ارمغان می آورد. حال پژوهندگان روی چه غذایی، چه کسانی، چه لباس هایی و چه تغییراتی، هر چه می خواهند تحقیق کنند. آیین های گاهانبار نیز باید نوسازی شود. این آیین باید با توجه به دوران جدید، تمدن نوین و زمان و مکان امروزی نوسازی شوند. هدف های گاهانبار که مقدس و انسانی هستند باقی بمانند و به هماهنگی و هارمونی جهانی که همانا برای جاودانی جامعه پویای زرتشتی است، تبدیل گردند.

بن ماه ها:

فیروزگری - موبد مهربان: خرده اوستا، موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر، سال ۱۳۸۲ خورشیدی.

پورداوود - استاد ابراهیم: خرده اوستا، انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی، سال ۱۳۱۰ خورشیدی.

Geldner, Karl F.: Avesta, the sacred books of the Parsis, Stuttgart, ۱۸۸۶.

بهار - دکتر مهرداد: بن دهش، گزارش اثر فرنیخ دادگی، انتشارات توس، سال ۱۳۶۹ خورشیدی.

میر فخرائی - دکتر مهشید: فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه اثر پرفسور مکنزی، پژوهشگاه علوم انسانی، سال ۱۳۷۳ خورشیدی.

آذر گشسب - موبد اردشیر: آیین مذهبی و آداب زرتشتیان، انتشارات فروهر، سال ۱۳۷۳

## آگهی های نوروزی

پیام های شادباش نوروزی خود را در ماهنامه زرتشتیان  
به دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را شاد کنید.

Tel: (714) 893 - 4737

Fax: (714) 894 - 9577

Email: info@CZJournal.org



## آموزش جهان بینی زرتشت چیست؟

## دکتر خسرو خزایی (پودیس)



بر خلاف کشورهای زادگاه زرتشت (ایران، افغانستان و تاجیکستان) در اروپا دست کم دویست سال است که آموزش و پژوهش در باره اندیشه و جهان بینی زرتشت به گونه علمی آغاز شده و امروز در دانشگاهها بخش جا افتاده است. هدف اروپاییان از این آموزش و پژوهش پی بردن به ریشه و بن زبانی، فلسفی، فرهنگی و هستی شناسی خود میباشد.

اگر بیش از سه هزار سال است که نام زرتشت بعنوان یک نام مقدس وارد ضمیر ناخودآگاه ایرانیان و مردمان آسیای میانه شده، همین نام بیش از دو هزار و پانصد سال است که بعنوان «بالاترین نماد دانش» وارد ضمیر ناخودآگاه اروپاییان گردیده.

فیثاقورث دانشمند بنام یونانی خود را شاگرد زرتشت مینداشت و ارستو فیلسوف دیگر یونانی که شاگرد افلاتون بود در کتاب خود «فلسفه» مینویسد که تمام دانش افلاتون از زرتشت گرفته شده. بطور کلی تمام دانشمندان و فیلسوفهای یونان باستان خود را شاگرد مکتب زرتشت دانسته اند و نوشته های خود را به او پیوند داده اند. (ژک دوشن گیمین: پاسخ غرب به زرتشت، اکسفورد ۱۹۵۸: ر.م افنان: تاثیر زرتشت بر اندیشه یونان: نیویورک ۱۹۶۵: ژ. فرل: تاثیر زرتشت و اندیشه زرتشت بر فرهنگ غرب، سیدنی ۱۹۷۷). میدانیم که در آن دوره، یعنی در سده پنجم پیش از میلاد مسیح، ایرانیان (که مردمان آسیای میانه امروزی را هم در بر میگرفتند) با پی ریزی نخستین امپراتوری جهانی که از ۴۶ کشور درست شده بود امور دنیا را اداره میکردند و شاید بهمین علت بود که یونانیان شیفته جهان بینی زرتشت که فلسفه هستی ایرانیان بود شدند. (مری بویس: تاریخ زرتشت گرای، لندن، ۱۹۸۹ جلد دوم رویه ۲۸۰-۲۸۲)

بنا به نوشتارهای تاریخ نویسان کهن و امروزی، با تحول فرهنگی ژرفی که زرتشت در میان ایرانیان بوجود آورد، آنها آزاد منش ترین اندیشه ها را در میان ملت های امپراتوری گسترش دادند و در این راستا نخستین قانون حقوق بشر (فرمان آزادی) را بنگارش در آوردند. چون زرتشت به آنها آموخته بود که «حقیقت متعلق به هیچ کشور، به هیچ ملت و به هیچ نژادی نیست». (ژرار ایزرایل: کورش بزرگ، پاریس ۱۹۸۷: افلاتون: قانونها، بخش سوم، پارسیان ۶۹۳ و ۶۹۴).

و در همین زمینه بود که پس از آزادی یهودیان از اسارت بوسیله کوروش بزرگ، ساختن معبد اورشلیم بوسیله داریوش و جمع آوری تورات بوسیله خشایارشا، پیامبران یهودی همچون ایسای، ژرمی، ازقیل ودانیل، کورش بزرگ را در تورات «فرستاده خدا و پیام آور آزادی» خواندند.

در فرمان آزادی کورش که ۲۵۴۱ سال پیش با خط میخی روی استوانه بزرگی نوشته شده که ۱۵۰ سال پیش کشف شد این جمله ها آمده اند «انسانها آزادند که هر خدایی را که دلخواه آنها بود بپرستند، آنها آزادند که در کشور دلخواه خویش زندگی کنند، همگی باید در آرامش و صلح زندگی کنند.....» (و. ایلرز: ترجمه استوانه کورش از خط میخی، ۱۹۷۴: ی. کیله: تفسیر نوشتار استوانه کورش، ۱۹۷۳).

این نخستین انقلاب انسانگرایی و آزادیخواهی در تاریخ بود. تمام نوشتارهای تاریخی نشان میدهد که چه اندازه این انقلاب جهان را به پیش کشاند. آداب و رسوم یهودیان که پیش از آن خشن و با قربانی جانوران بیگانه همراه بود، با وارد شدن اندیشه زرتشت در دین آنها دگرگون شد و بعدها بر دین مسیحیت تاثیر بنیادین گذاشت. ملت های گوناگون امپراتوری آداب و رسوم خود را توانستند حفظ کنند و زنها همتر از مردان شدند. «پل دو بروی» زرتشت شناس معروف فرانسوی می نویسد

«تحولی که زرتشت در فرهنگ آن زمان به وجود آورد زندهای ایرانی را در تمام زمینه ها هم تراز مردان کرد و زنها از چنان آزادی برخوردار شدند که نظیر آنها در هیچ جایی از دنیای باستان نمیتوان یافت. در آن زمان یونانیها با زنان خود مانند برده رفتار میکردند و ارستو میگفت زن نمیتواند روح داشته باشد.» (پل دو بروی: تاریخ فلسفه زرتشت، پاریس ۱۹۸۴ رویه ۱۱۰) همین نویسنده در چند رویه جلوتر کتاب خود مینویسد «هیچ صفحه ای از کتابهای تاریخ نمیتواند گواه دهد که یک نفر بزور به اندیشه زرتشت وارد شده باشد. اگر جز این بود زمانی که ایرانیان امپراتوری جهانی درست کرده بودند، یونان و هند و مصر و تمام خاور میانه و نیمی از آفریقا زرتشتی شده بودند.»

پس از در هم پاشیده شدن امپراتوری هخامنشی در سده سوم پیش از میلاد، علاقه و شیفتگی دانشمندان یونانی به زرتشت حتی از دورانی که ایران امپراتوری جهانی داشت بیشتر شد. این شیفتگی به جایی رسید که هیچ فیلسوف یا دانشمندی را در این دوره در یونان نمیتوان پیدا کرد که برای وجهه دادن به کار و پژوهش علمی خود آنها را به زرتشت نسبت نداده باشد! اعتبار گرفتن از زرتشت بعنوان «بالاترین نماد در همه دانشها» به جایی رسید که حتی دانش ستاره شناسی و کیمیاگری را هم به او نسبت دادند! (مری بویس: تاریخ زرتشتگرایی، لندن ۱۹۸۲ پوشینه دوم رویه ۴۹۱-۵۶۵. ژ- دوشن گیمین: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۱۲-۱۴)

شیفتگی به زرتشت به اندازه ای در اروپا رواج پیدا کرد که حتی با از میان رفتن یونان فرو نشست. با پیدایش امپراتوری رم دانشمندان رمی مانند فیلسوفان یونانی برای اعتبار دادن به کارهای خود از نام زرتشت تا جایی که میتوانستند استفاده کردند.

پس از سده نخست میلادی دین رسمی در امپراتوری رم مهر ستایی (میترازم) شد. مهر ستایی که در جهان بینی زرتشت هضم شده بود و یکی از بخشهای اوستا را درست میکرد از ایران به اروپا رفت و برای ۴۰۰ سال درسراسر این قاره گسترده شد بگونه ای که امروز در انگلستان، آلمان، سویس، اسپانیا، ایتالیا و یونان بیش از ۶۰۰۰ معبد میترا کشف شده. (فرانس کومن: نوشته ها و مانده گارها در باره راز میترا، بروکسل ۱۸۹۶ دو جلد، ی. گرش تیچ: سروده های اوستایی در باره میترا، کیمبریج ۱۹۵۹)

در سده چهارم میلادی، مسیحیت در امپراتوری رم کم کم رواج پیدا کرد، ولی چون دین نو پای بود و هیچ آداب و رسوم ویژه ای نداشت تمام آداب و رسوم مهر ستایی را در خود هضم کرد. تاریخ ۲۵

دسامبر را که تاریخ زاد روز میترا بود که ایرانیان آنرا «شب یلدا» میگویند تاریخ زاد روز مسیح قرار دادند. درخت کاج و سرو را هم که مهر ستایان با آن مراسم شب یلدا را تزئین میکردند وارد رسوم خود کردند. میترازم هفت رده یا گام برای پیشبرد روان و دنیای مینوی داشت که استاد رده هفتم را پیر یا پدر میگفتند. واژه پدر وارد مسیحیت شد و کشیش را پدر خواندند. همچنین میترازم بعدها پایه ای شد برای ساختن فرا مسونری در اروپا که از سده هفدهم به بعد رواج گرفت.

در ایران و کشورهای آسیای میانه از سده سوم میلادی به آن سو کم کم اندیشه زرتشت بعنوان یک جهان بینی واپسین دوران خود را می پیمود. دین زوروانی و مغان خزنده وار جایگزین جهان بینی زرتشت شده بودند و فرمانروایی میکردند. جنگهای تمام نشدنی میان ایران و رم هر دو امپراتوری را ناتوان کرده بود. در این زمان بود که در سده هفت میلادی عربهای مسلمان با یورش خود به ایران که ۲۰۰ سال به درازا کشید فرهنگ ایرانی را در هم شکستند و جهان بینی زرتشت که هنوز کمی از آن پا بر جا مانده بود به دست فراموشی سپرده شد، ابن خلدون تاریخ دان عرب مینویسد که مدت شش ماه خزینه گرما به ها در ایران از سوختن کتابها گرم میشد.

اگر در ایران و کشورهای آسیای میانه آتش زرتشت به خاموشی گرایید، در اروپا هیچگاه پژوهش و علاقه در باره اندیشه زرتشت کم نشد. حتی در قرون وسطای مسیحیت که تبلیغات ضد زرتشت بعنوان یک نماد ضد دین به اوج خود رسیده بود، روشنگران و خردگرایان اروپا دوباره زرتشت را بعنوان یک ابزار نبرد بر علیه کورگرایی و اختناق به میان آوردند.

در سده پانزدهم میلادی یکی از بزرگترین فیلسوفان دوران رنسانس یا رستاخیز فرهنگی اروپا، گرگوری پلوتن که نفوذ سیاسی زیادی هم در دربار امپراتوری بیزانس به دست آورده بود کوشش کرد که جهان بینی زرتشت را جایگزین سه دین یهودی، مسیحی و اسلام که در جنگ همیشگی با هم بودند بکند. با اینکه بسیاری از دولتمردان و خردگرایان آن زمان با او همراه شدند اما در این راه پیروز نشد. ولی موفق شد که اندیشه زرتشت را وارد مکتب افلاتونی فلورانس (ایتالیا) بکند و آنرا پایه ای برای انقلاب رنسانس در اروپا گرداند و انسانگرایی (هومینزم) را پی ریزی کند. (ژ. دوشن گیمین: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۴، ح. لوی: انجمن زرتشت در امپراتوری رم، ۱۹۸۵ رویه های ۹۹ به بعد)

در دوران رنسانس و پس از آن، گرایش به زرتشت در میان روشن بینان اروپایی نه تنها کم نگردید بلکه بیش از پیش گسترده شد و بعد دیگری به خود گرفت. ولی سده ها بود که زبان زرتشت فراموش شده بود و هر چیزی که از زرتشت گفته میشد نقل قول از دیگران بود. بنابر این میبایستی به پژوهش پرداخت و زبان او را از نو کشف کرد.

پژوهشهای زبانشناسی و تاریخی بعدی بگونه ای شگفت آور ثابت کرد که گاتاها که معنی آن «سروده» است بیش ۳۷۰۰ سال پیش بوسیله خود زرتشت سروده شده و از زبان خود او بیرون آمده. ترجمه گاتاها دروازه بزرگی را بروی تاریخ اندیشه، فلسفه و تمدن جهانی گشود و ریشه بسیاری از دینها و فلسفه ها بی که فرهنگ جهانی را ساختند روشن کرد.

چکیده گاتاها را میتوان بصورت زیر بازگو کرد:

هدف از زندگی، شاد و خوشبخت زیستن است (بیش از ۳۰ بار واژه خوشبختی و شادی در گاتاها تکرار شده). شاد و خوشبخت زیستن میسر نیست مگر اینکه همگان در جامعه، از جمله جانوران و گیاهان بتوانند با شادی و شکوفایی زندگی کنند. برای رسیدن به این هدف مردمان باید قانون هستی را (که به آن ارتا یا اشا میگویند) بیاموزند.

## این قانون از سه اصل بنیادین بگونه زیر در ست شده است:

۱- جهان هستی و بویژه زندگی انسانها در هر لحظه از زمان بوسیله نبرد میان دو نیروی بنیادین و خود آفریننده و ضد یکدیگر شکل میگیرد. مردمان اثر نبرد این دو نیرو را در درون خود بصورت شادمانی یا غم زدگی، عشق و نفرت، دوستی و دشمنی، آرامش درونی یا نگرانی، دادگری یا بیدادگری، خوب یا بد، شکست و پیروزی، روشنی درونی یا تاریکی و غیره احساس میکنند.

به سرچشمه نیروهای مثبت که مردمان را بسوی خوشبختی پیش میرند اهورا مزدا گفته میشود. «اهورا» یعنی هستی آفرین و «مزدا» به معنی خرد است. بنابراین اهورامزدا به معنی «نیروی خردزا» یا «خدای خرد» ترجمه شده است.

از ویژگیهای مردمانی که در راه اهورامزدا هستند، شاد زیستی و راستی در پندار و گفتار و کردار میباشد. به سر چشمه نیروهای منفی یعنی نیروهایی که مردمان را به بدبختی و پسماندگی و غمزدگی میرند، انگرا ماینو یا اهریمن گفته میشود. انگرا ماینو یعنی آشفتگی و خشم درونی که خرد ستیز است و چشم درونی را کور میکند. از ویژگیهای انگراماینو دروغ و ریا است. با این ابزار است که او آگاهی را سرکوب و نا آگاهی را رواج میدهد.

۲- دومین قانون جهان بینی زرتشت میگوید که در این جهان هیچ نیرویی بدون وجود نیروی ضد خود نمیتواند مفهومی داشته باشد. روز بدون شب، خوب بدون بد، آرامش درونی بدون نگرانی، عشق بدون نفرت و غیره هیچیک به تنهایی مفهومی نخواهند داشت. اگر چیزی در این دنیا بخواهد به صورت نیرو در آید بی درنگ نیروی مخالف خود را در برابر خود خواهد یافت.

۳- چون این جهان از نیروهای دو گانه ضد هم و مثبت و منفی درست شده، هستی در انسانها نیرویی بنام «آزادی گزینش» گزاشته که بوسیله آن هر کس میتواند از میان دو نیروی ضد هم و در حال نبرد یکی را انتخاب کرده و در آن شرکت کند. میان شادی و ماتمزدگی، دوستی و دشمنی، دادگری و بیدادگری، خرد و خرد ستیزی، راستی و دروغ، خوب و بد، آزادیو اختناق، سروری و بردگی و غیره یکی را گزینش کرده و در آن زندگی کند. چون آزادی گزینش با انسان است، بنا بر این مسئولیت هم با اوست. چند سال پس از ترجمه گاتاها زرتشت، یکی از بزرگترین فیلسوفان اروپا فردریک نیچه در سال ۱۸۸۳ شاهکار معروف خود «آن چنان گفت زرتشت» را در دو جلد نوشت. این کتاب که امروز به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده دیدگاه اروپاییان را نسبت بزندگی زیرو رو کرد و فرهنگی نوین و مدرن را که تا امروز ادامه دارد به این قاره ارمغان نمود.



## نامه به رسانه ها

### سر دبیر گرامی ماهنامه ی پژواک - سن هوزه، کالیفرنیا

در شماره ی ۲۰۶ پژواک (آگوست ۲۰۰۸، برگ ۴۱) نویسنده ی گرامی حسین علی مکوندی گزارشی در باره ی پنج گونه ازدواج در آئین زرتشت آورده که درست نیست. آن ازدواجها، که نویسنده ی کتاب تاریخ ده هزار ساله ی ایران نوشته و آفای مکوندی آنها را در نوشتار خود آورده آیین دین زرتشتی نیست بلکه بخشی از رسم های اجتماعی ایران در بخشی از دوران زندگی کشاورزی به ویژه در دوره ی ساسانیان است.

چون در دوره ی ساسانیان دین رسمی ایران دین زرتشتی بوده و بیشتر کار های اداری و اجتماعی در دست رده های گوناگون موبدان بوده است بسیاری از مردم می پندارند همه ی رسم ها و قانونهای کشور بخشی از دین زرتشتی بوده اند. این برداشت نادرست است.

زرتشت هرگز قانون ویژه برای کاری نگذاشته بلکه برای همه ی کارها در کلان دید (بطور کلی) راهنمایی های فرزانی (فلسفی) و فرخویی (اخلاقی) کرده و اندرزهایی داده است. چنانکه گرایش به نو آوری و نوسازی در کارهای اجتماعی را ستوده و نیز سپارش کرده است که خوشبخت راستین آنهایند که برای خوشبخت کردن دیگران نیز بکوشند.

زرتشت گفته است که کارهای آدمیان باید ریشه ی نیکی داشته باشد. و نیکی باید در اندیشه، گفتار، و کردار آدمیان پیدا باشد. پاک نگاه داشتن زیست بوم و همبستگی با پاکان و نیکان جهان (هفت کشور زمین) از دیگراندرزهای زرتشت است.

خواست من در اینجا این نیست که از نوشتار آقای مکوندی بل بگیرم و خوانندگان را به پذیرفتن دین زرتشتی بر انگیزم بلکه این است که گوشه ای از فرهنگ و تاریخ ایران را روشن سازم. زرتشت به قانون گذاری در کارهای اجتماعی نپرداخته زیرا قانون را بر بنیاد نیاز کسان و گروهها میگذارند و نیاز کسان و گروهها با گذشتن زمان، دیگر (عوض) میشود.

آموزش ها یا گفته های زرتشت در کتابی بنام گاتها یا گاتاها است که به زبان اوستایی است ولی به پارسی نیز ترجمان شده است. زبان اوستایی زبان ادبی ایران در زمان زرتشت بوده است. گاتها یکی از شش کتابی است که بر روی هم اوستا نامیده میشوند. کتاب دینی زرتشتیان گاتها است. دیگر کتابها نوشته هایی از گذشتگانند. برخی از آنها بسیار کهن هستند و گمان می رود از روزگار پیش از زرتشت مانده باشند. در گاتها در دو جا از زن و مرد سخن گفته شده، یکی آنجا که زرتشت زنان و مردان را فرا خوانده که به سوی او بیایند و سخنانش را بشنوند، آنگاه بر پایه ی خرد خود در باره ی پذیرفتن یا نپذیرفتن آن رای بکنند (تصمیم بگیرند). دویم در آنجا که در جشن همسری جوانترین دختر زرتشت، بنام پوروچیستا، زرتشت رو به اروس و داماد کرده و گفته است اکنون دور شماست که بکشید هر یک از دیگری در نیکو کاری پیشی (سبقت) بگیرید. زرتشت هرگز نگفته که زنان یا مردان از همدیگر بالاترند یا پایین تر. باید به این نکته پروا شود که در زمان زرتشت جامعه ی ایران در دوره ی کشاورزی بوده است. دانشمندان دانش های گروهی (علوم اجتماعی) در یافته اند که در دوره ی کشاورزی در جامعه های انسانی از جمله در ایران پیوند زنان و مردان بیشتر بر بنیاد چند همسری (چند زنی و یک شوهری) بوده است، چنانکه در دوره های پیش از دوران کشاورزی پیوند ها بیشتر بر چند شوهری بوده است.

با دانستن این یافته ها نباید در شگفت شویم که در زمان زرتشت در ایران هم مانند دیگر جامعه های کشاورزی آن زمان (چین، مصر، روم، .....)، چند زنی رسم پسندیده ی اجتماعی بوده و این رسم تا سده هادنبال شده و هاتا (حتی) دولت و بزرگان جامعه برایش قانون و آیین نوشته اند و این تا زمان ساسانیان در ایران دنبال شده است. اینکه در ایران اینگونه قانونها را نوشته اند و در جا های دیگر نوشته اند برای آنست که ایران جامعه ای پیشرفته بوده و هر کاری قانونی می داشته است.

تا آنجا که من میدانم خود زرتشت دو تا همسر داشته و نام همسر دویم او هوو یا هوویی بوده است. شگفت اینکه این نام در جامعه ی ایران ماندگار شده و من در روستا ها و شهرک های جنوبی ایران شنیده ام که زن دویم را هوو یا هوویی میگویند.

امیدوارم این نوشتار روشنگر باشد

مهر و شادمانی افزون باد -- زرتشت آزادی شهریور ماه ۳۷۴۶ کالیفرنیا

سوم دیماه ۳۷۴۵ - ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷

### فرزانه ی گرامی آقای علی لیمونادی مدیر تلویزیون ایرانیان، لوس آنجلس

من چند هفته تلویزیون شمارانگاه نکرده بودم زیرا یکشنبه ساعت ۱۱ بامداد در خانه نبودم. دیروز این جدایی بسر رسید و من دو باره تلویزیون ایرانیان را دیدم که به اندازه ی توانا بیش خوب و فرگیر و دیدنی است. نکته هایی هم از سر خرده گیری و در خواست بهسازی میگویم.

چیزی که همیشه در رسانه های پاسی زبان و نیز تلویزیون شما مرا میازارد این است که واژه ها و دستور زبان پارسی همراه با واژه ها و دستور زبان عربی همپا و همراه بکار برده میشوند در حالیکه این رسانه ها پارسی زنند و زبان پارسی زبان پر باری است و نیاز به زبان عربی ندارد. سخن در این نیست که زبان عربی چه کمی دارد بلکه در این است که واژه های پارسی و دستور زبان پارسی چه بدی دارند؟ آیا اینکه گذشتگان برای دانش نمایی واژه های عربی را به زبان پارسی ریختند به ما پروانه میدهد که کار نا پسند آنرا دنبال کنیم؟ بگذارید چند نمونه از برنامه ی شما در روز یکشنبه ۲۳ دسامبر بدهم:

- گوینده گفت: « با عرض سلام مجموعه ی مهمترین اخبار ایران و جهان را به اطلاع میرساند». در این جمله با و را و جهان و میرساند پارسیند، دیگران همه عربیند!

آیا بجای این جمله پر عربی نمیشود گفت:

با درود گزارش رویداد های ایران و جهان را به آگاهی میرساند.

-- گوینده نیز گفت «...مهمترین خبر ارسال سوخت هسته ای به بوشهر بود».

آیا بجای آن نمیشود گفت: «گزارش چشمگیر فرستادن سوخت هسته ای به بوشهر بود؟»

نیز گفت «کاندالیزا رایس گفت قدر مسلم این است که ....»

آیا بجای آن نمیشود گفت «کاندولیزا رایس گفت نکته روشن این است که....»

عربی ها بسیار بیشتر از اینها بود من اینها را توانستم به تندی برای نمونه یادداشت کنم تا بر بنیاد آنها در خواست کنم برای پاک کردن زبان کاری بکنید تا زبان پارسی بنام یک زبان ایستا بخود بماند و جاودانه شود. شما خود مردی فرهیخته هستید میتوانید گزارش رویدادها را پیش از پخش یکبار بخوانید و تا آنجا که بشود واژه ها و جمع های عربی را به پارسی بر گردانید. اگر خود در کار های دیگر در گیرید میتوانید انجام این کار را از کس دیگری بخواهید. اگر کسی نیست تا هنگامی که کسی پیدا شود من میتوانم این کار را به رایگان انجام دهم یعنی گزارش ها را بخوانم و بهسازیهار پیشنهاد کنم شما هر کدام را پسندیدید بر دارید. خواهش دیگری که دارم این است که واژه ی «متخصصین» را در یلوپیج بکار نبرید. این واژه هم عربی است و هم برابر دستور زبان عربی جمع بسته شده است. بجای آن کارشناسان بگویید یا دست کم بگویید متخصصان تا آنرا برابر دستور زبان پارسی جمع بسته باشید.

خواهش پایا نیم این است که چون نوروز نزدیک میشود در آن هنگام چیزها یی مانند تبریک و تهنیت و ... بکار نبرید زیرا واژه هایی مانند شادباش، فرخنده باد، خجسته باد..... داریم. چیز هائی که رسانه ها میگویند مردم هم همانها را یاد میگیرند و بکار میرند.

### با درود زرتشت آزادی

۲۳ شهریور ۳۷۴۶ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۸

### سر دبیر گرامی عصر امروز، لوس آنجلس

این نامه را در بستگی بانوشته ی شما، درباره ی زبان پارسی، در شماره ی ۴۷۳۰ - آدینه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸ مینویسم. یکم اینکه: هم میهنی که در خواست کرده روزنامه را به زبان پاک پارسی بنویسد در باور من در خواست بسیار درستی کرده است. منم که بیشتر روز ها روزنامه ی شما را میخوانم چنین در خواستی را دارم. در کشور های مردم سالار غربی رسانه ها به خواست خوانندگان ارج میگذارند!

دوم اینکه: واژه های ترکی و روسی و .... در زبان پارسی بسیار کمند و آنهایی که هستند شهروند زبان پارسی شده اند زیرا برابر دستور زبان پارسی بکار میروند. واژه های عربی در زبان پارسی بسیارند و رسانه ها نه تنها آنها را بسیار بکار میبرند بلکه آنها را برابر دستور زبان عربی بکار میبرند و جمع میندند و اسم فاعل و اسم مفعول و مضرغ از آن میسازند. این کار ها نا شایستند. خود شما در همان شماره ی روزنامه چرا بجای نوشتار ها نوشته اید مقالات؟ اگر مقاله ی عربی را بجای واژه ی پارسی بکار می برید. چرا جمع آنرا برابر دستور زبان عربی میندید؟ چرا بجای سخن ها مطالب میگوئید؟ اگر بجای واژه ی پارسی واژه ی عربی بکار میبرید چرا جمعش را برابر دستور زبان عربی میندید؟ آیا میدانید که در زبان پارسی نشان جمع ها و آن است؟ چرا بجای واژه لغت میگوئید و آنرا برابر دستور زبان عربی جمع میندید؟ چرا بجای بنیاد اساس، بجای کشور مملکت، بجای ساختن احداث، بجای پرسش سؤال و بجای پاسخ جواب مینویسد؟ این تنها نمونه ای است که دادم. آیا برای درست کردن اینها نیاز به فرهنگستان داریم؟ سوم اینکه: بکار بردن واژه ها و دستور زبان پارسی بجای واژه ها و دستور زبان عربی، نیازی به بر پا کردن فرهنگستان ندارد. مگر فرهنگستان را چند بار باید بر پا کنیم؟ فرهنگستان را در زمان زنده یاد رضا شاه بزرگ بر پا کردیم. نمونه ها و الگو های بایسته را داد. بر گردن رسانه ها است که آنها را یاد بگیرند و بکار ببرند. چهارم اینکه: پاک کردن زبان پارسی در زمان رضا شاه زیاده روی و کم روی (به گفته ی شما افراط و تفریط) نداشته و داوریش نیز با کسانی نیست که زبان پارسی و دستور آنرا بخوبی نمیدانند.

پنجم اینکه: چیز هایی مانند ستاد مهین خانم و کس ندان سیخکی راست نیست. اینها را کسانی ساخته اند که نه باور به پاک سازی زبان داشته اند و نه دانش آنرا و از اینرو کوشیده اند که با مسخرگی، تلاشهای پاک سازی زبان را کم ارج و کم نیرو کنند.

ششم اینکه: مردم واژه های پارسی را بجای عربی بکار نخواهند برد مگر اینکه رسانه ها چنین کاری بکنند، زیرا مردم سواد همگانی خود را از رسانه ها میگیرند. رسانه ها چنین نخواهند کرد مگر اینکه رسانه گران از خود بزرگ بینی و اینکه همه چیز را از همه کس بیشتر و بهتر میدانند، دست بکشند و واژه های پارسی و دستور زبان پارسی را که بخش بنیادین فرهنگ ایرانند یاد بگیرند و بکار برند.

با درود - زرتشت آزادی

## شادباش

جشن سده (پیدایش آتش) گرامی باد  
 با آرزوی تندرستی، آسایش و آرامش  
 برای همه راستان و نیکان جهان

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



## تخت سلیمان: تاریخی و جهانی

پرکان باستانی تخت سلیمان در آذربایجان غربی به مساحت ۷۴ کیلومتر مربع چهارمین اثر تاریخی است که سکوت ۲۴ ساله ایران را در عرصه بین المللی شکست و در سال ۱۳۸۲ در فهرست آثار میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. این اثر تاریخی اکنون به یکی از جاذبه‌های گردشگری ایران تبدیل شده و هر ساله گردشگران ایرانی و خارجی به اینجا می آیند. همچنین از هنگامی که بخشهایی از این اثر جهانی مرمت شده و در فهرست آثار میراث جهانی به ثبت رسیده، دوباره اهمیت خود را میان زرتشتیان به دست آورده است. زرتشتیان ایرانی چند سالی که به طور دسته جمعی در کنار این دریاچه و در آتشکده آذرگشنسب برنامه اجرا می کنند. این مراسم ۲۲ شهریور هر سال برگزار می شود و به جشن شکر گذاری مشهور است.

چگونه آتشکده آذرگشنسب تخت سلیمان شد



این پرکان تاریخی یادگاری از دوران ساسانی است. راهنمای گردشگران در محوطه تاریخی تخت سلیمان می گوید: آتشکده آذرگشنسب بهترین مکان دینی و سیاسی برای ساسانیان محسوب می شد و همان اهمیتی را که تخت جمشید برای هخامنشیان و کعبه برای مسلمانان دارد، برای آنها داشت. پس از جنبش مزدکیان، خسرو انوشیروان به عمران و آبادی این آتشکده همت گمارد و دین مزدی سینا یا زرتشت را به عنوان دین رسمی کشور ایران (ایرنویج) اعلام کرد. به همین دلیل این مکان نماد اقتدار حکومت ساسانیان محسوب می شد. در زمان حمله رومیان به ایران در سال ۶۲۴ میلادی به وسیله هراکلیوس آتشکده آذرگشنسب غارت و ویران شد. پس از حمله رومی ها و در اواخر دوره ساسانیان با ورود اعراب به ایران سلسله ساسانیان منقرض شد. اعراب این مکان را به اشتباه مظهر کفر و آتش پرستی می دانستند. این در حالی است که مزدی سینا اولین دین رسمی موحّد تاریخ بود. چند صد سال پس از ورود اسلام به ایران موبدان زرتشتی سعی داشتند که آتشکده آذرگشنسب را از تخریب دور نگه دارند، بنابراین باورهای مردمی را تقویت کردند و گفتند که اینجا آتشکده زرتشتیان نیست بلکه تاج و تخت حضرت سلیمان است. راز آلود بودن دریاچه و عظمت بقایای بناهای دوره ساسانی این باور را تقویت کرد و باعث شد تا این محوطه تاریخی تخریب نشود. از سوی دیگر مردم محلی براساس افسانه‌ها از پرسه زدن در اطراف دریاچه و بناهای اطراف آن دروی می کردند تا آنکه مبادا تبدیل به سنگ نشوند. آتشکده آذرگشنسب مجموعه‌ای است مشتمل بر یک سالن مرکزی مربع شکل که گنبد بزرگ آجری آنرا پوشانده است. این نام در متون اوستایی، کتاب های تاریخ ایران قدیم و نوشته های مورخان یونانی، ارمنی و رومی بارها آمده است.

هفتصد سال پس از ورود اسلام به ایران، مغولان این سرزمین را عرصه تاخت و تاز قرار دادند و پس از آنکه نوادگان چنگیزخان حکومت ایلخانی را در ایران به وجود می آورند، آقا باباخان مغول تخت سلیمان را به عنوان پایتخت ییلاقی خود قرار داد و کاخ‌ها و عمارت های خود را در اینجا ساخت که اکنون نیز تالارشورا (تالار چهارستونه)، کاخ شکار، دوازده ضلعی و هشت ضلعی از بناهای شاخص دوره ایلخانی این محوطه است که بیشتر شبیه معماری شرق آسیاست. در زمان ایلخانیان دوباره این مکان اهمیت تاریخی خود را باز می یابد و تبدیل به یکی از مهمترین مکانهای سیاسی دوره ایلخانی تبدیل می شود.

تخت سلیمان میراث جهانی شد

پس از ایلخانیان دوباره این مکان اهمیت خود را از دست می دهد و بیشتر عشایر و کوچ نشینان از بقایای بناهای باقی مانده آن استفاده می کردند تا آنکه در دوره پهلوی موسسه باستانشناسی آلمان با وزارت فرهنگ ایران قراردادی برای مطالعه این محوطه تاریخی امضا کرد و به دنبال آن باستانشناسان سرشناسی همچون دکتر هرتسفلد، پروفیسور رودلف نومان، رابرت کوبل برای مطالعه قدمت تاریخی تخت سلیمان به ایران می آیند.

یکی از کارهای شاخص آنها نصب داربست های آنهایی برای جلوگیری از تخریب و ریزش ایوان خسرو بود که این داربست‌های آهنی تا امروز نیز باقی مانده است. با ظهور انقلاب سال ۵۷ کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی در این مکان متوقف می شود و پس از آن جنگ هشت ساله ایران و عراق به وقوع می پیوندد و کارهای جزئی برای حفظ و نگه داری از این مکان صورت می گیرد. تا آنکه در سال ۱۳۷۲ تخت سلیمان به عنوان یکی از ده پروژه بزرگ میراث فرهنگی انتخاب می شود و کار مرمت و بازپیرایی بناهای محوطه تاریخی تخت سلیمان انجام می پذیرد.

## مهدی دهقان یزدی و همکاران

متخصص فروش خانه های حراجی در جنوب کالیفرنیا



خرید و فروش  
املاک مسکونی  
Income Property  
با کمترین هزینه.

شخصاً

مبلغ خرید و فروش منزل  
شماره را در هر کجای دنیا به  
شما تحویل می دهیم

www.mehdi.com

maxmehdi@hotmail.com



949.307.4330

## اشکان ذهبی

### ASHKAN ZAHABI

درست بهنگام ارزان  
Your Tax Professional

کارهای مالی، مالیاتی و رایزنی برای کسان و شرکت ها

اگر کارهای مالیاتی خود را به ما بدهید و بگویید که هموند مرکز زرتشتیان هستید نیمی از کار مزد پرداختی شما را به نام خودتان به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا دهش می کنیم. این پول را می توانید از مالیات سال آینده خود نیز کم کنید.

Donate half of your tax preparation fee to CZC  
Just mention CZC referred you. Tax deductible

714-907-6248

www.sharpglance.com



## آیا زرتشتیان آتش پرستند؟

سوی گنبد آذر آید روی

به فرمان پیغمبر راستگوی

"شاهنامه ی دقیقی"

### دکتر زرتشت آزادی



برای دادن پاسخ برنده (قاطع) به این پرسش نخست معنی واژه ی پرستیدن در ادب پارسی را روشن میکنم پس از آن چگونگی یابش آتش افروزی در ایران باستان را باز میگویم و سر انجام به پرسش پاسخ میدهم. این را باید همواره در نگر داشت که در زبان پارسی، مانند بسیاری دیگر از زبانها، بسیاری از واژه ها بیش از یک معنی دارند. کسانی که در زبان و ادب دانش گسترده ندارند با یکی از معنی های واژه ها آشنا میشوند. دشواری هنگامی آغاز میشود که آنان در همه ی کاربردهای یک واژه همان یک

معنی را میبینند. من در نوشتاری که چندی پیش در شماره ۹ همین ماهنامه زیر سر نام "زرتشتیاری و زرتشتیاری" دادم نمونه هایی از واژه های چند معنی را آوردم. کسانی که به آن شماره دسترسی دارند میتوانند آن نوشتار را بخوانند. در آوردن نمونه هادر اینجا کوتاه میام تا به زمینه ی بنیادین این نوشتار پردازم.

برخی از معنی های "پرستیدن" که در واژه نامه های پارسی آمده و یا در گفتار و نوشتارها میتوان یافت اینهاست:

«ستایش کردن، بندگی کردن، دوست داشتن، خدمت کردن، پاس داشتن، نگاه داشتن، عبادت کردن». معنی بیشتر این واژه ها که خودشان معنی پرستیدن هستند روشن است ولی دو تای آنها نیاز به روشنگری دارند. واژه ی عربی «عبادت» معنی بندگی پارسی را دارد زیرا از عبد ساخته شده که معنی بنده میدهد بنا بر این عبادت یعنی بندگی. واژه ی پارسی ستایش به معنی ستودن است و ستودن همانست که عریان تعریف کردن یا توصیف کردن میگویند.

اکنون به همه ی معنی های واژه ی پرستیدن که پیشتر آوردم بنگرید. در زبان و ادب پارسی همه ی آن واژه ها هم برای خداوند جهان بکار رفته و هم برای دوستان و دلستانان و چیزها. اگر همه ی آن واژه ها که معنی پرستیدن هستند هم برای خداوند جهان و هم برای دیگران بکار میروند خود واژه ی پرستیدن هم میتواند هم برای خداوند و هم برای دیگران بکار برده شود. چنانکه چامه گویان از معشوقه پرستی و می پرستی سخن گفته اند. حافظ شیرازی گفته است: سخن غیر نگویا من معشوقه پرست کزوی و جام میم نیست به کس پروایی

و نیز گفته است:

به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن فرزنانگان ایرانی مردم را از خود پرستی و شکم پرستی و پول پرستی پرهیز داده اند. ما که ایرانی هستیم خود را میهن پرست میدانیم، در شاهنامه آمده است: پرستیدن شهریار زمین نگوید خردمند جز راه دین

در فرهنگ ایران همواره خداپرستی، میهن پرستی، و شاه پرستی سه پایه ی بنیادین فراخویی (اخلاقی) ایرانی بوده اند. اگر همه ی این چیزهایی که گفتم میتوانند پرستیده شوند آتش چرا نمیتواند پرستیده شود؟ پرستنده و پرستار نام کننده و فروزه ی کنندگی (اسم فاعل و صفت فاعلی) از پرستیدن هستند. اینها هر دو یک معنی دارند. گر چه از چند دهه ی پیش ما نام پرستار را بر گروهی از یاریگران پزشکی نهاده ایم ولی برآستی معنیش گسترده تر است و برابر معنی پرستنده است.

در ادب پارسی واژه ی پرستنده به معنی یاریگر یا پیشکار یا پا کار (خدمتکار) هم فراوان آمده است. چند نمونه را ببینید:

گرشاسب نامه آورده است که چون ایرانیان بر شاه جمشید جم شوریدند او از تختگاه گریخت و در ایران سر گردان شد. زمانی که در زابلستان سرگردان بود دختر شاه زابلستان با چندتن از پرستندگان (خدمتکاران) در باغی بود: جم از کوچه ی آن باغ میگذاشت: پرستنده ای سوی در بنگرید زباغ اندرون چهره ی جم بدید

پرستنده شاه جمشید را نزد دختر برد و دختر او را شناخت و گرامی داشت و چندی از او پذیرایی شاهانه کرد. شاهنامه ی فردوسی آورده است که چون شاهزاده ایرج بر آن شد که به دیدار سلم و تور برود و رنجیدگی را از دل آنان به در کند، رای خود را با پدرش شاه فریدون در میان گذاشت. شاه گفت:

تورا ای پسر گر چنین است رای بیارای کارو پرداز جای پرستنده چند از میان سپاه بفرمای کایند با تو براه

شاهنامه ی هم چنین آورده است که چون رودابه دختر پادشاه کابل به زال پسر سام نریمان دل باخت آنرا نخست با پرستندگان (خدمتگذاران) خود در میان گذاشت و چنین آغاز کرد: شما یک به یک رازدار منید پرستنده و غمگسار منید

تا اینجا روشن کرده ام که پرستیدن بر رویهم معنی بزرگ داشتن و دوست داشتن و گرامیداشتن و پاسداشتن و یاری دادن میدهد و پرستنده یا پرستار کسی است که چنین کارهایی را میکند چه برای خداوند جهان چه برای دیگران. در زبان پارسی تنها خداوند جهان نیست که پرستیده میشود.

راه آتش افروزی یا تکنولژی آتش افروزی را در ایران هوشنگ شاه پیشدادی یافت که دومین پادشاه شاهنامه ای ایرانیست. او که با دوستانش به کوهستان رفته بود در راه ماری دید. سنگی برداشت و به سوی مار انداخت. سنگ به مار نخورد به سنگ دیگری خورد و از آن رخشه ای پرید که بوته ها را آتش زد

بی گمان ایرانیان پیش از آن آتش را دیده بودند ولی راه آتش افروزی را نمیدانستند. این را در آن روز یافتند. شاه از این یابش شادمان شد و آن شب جشنی بر پا ساخت و نامش را جشن سده گذاشت که ایرانیان همیشه آنرا گرامیداشته اند.

افزون بر آن هوشنگ شاه یابش آتش را کاری خدائی دانست و فرمان داد ایرانیان در نگاهداری و گرامیداشت و بکاربری آتش بکوشند تا هرگز خاموش نشود همیشه در دسترس باشد. ارج این کار زمانی روشن میشود که بیاد بیاوریم که در آنگاه هیچگونه ابزار آتش افروزی مانند کبریت شناخته نبود. در پی فرمان شاه در شهرها و روستا های ایران آتشکده ها (آتش خانه ها) ساخته شد و گروهی از مردم به پرستاری آن گمارده شدند تا هرگز خاموش نشود و همواره در دسترس همگان باشد.

هزاره ها پس از آن اشوزرتشت به وخشوری برخاست. او که ایرانی بود و در فرهنگ ایران زاده و پرورده شده بود بسیاری از فرآورده ها و آیین های فرهنگی ایران را گرامیداشت و پشتوانه داد (تأیید کرد) از جمله ی آنها گرامیداشت آتش بود. از آن پس پرستاری آتش بخشی از آیین های دینی زرتشتی شد و بر زرتشتیان بایا (واجب) گردید که در گرامیداشت و نگاهداری آتش بکوشند تا هرگز خاموش نشود و همیشه در شهرها و روستاها در دسترس مردم باشد زیرا خاموش شدن آتش در جهانی که هیچگونه ابزار آتش افروزی نبود میتواندست زندگی اجتماعی را لنگ و نا کار کند.

در شاهنامه ی دقیقی آمده است که چون شاه گشتاسب کیانی اشو زرتشت را گرامیداشت و دین زرتشتی را پذیرفت دین آموزان به جا های گوناگون فرستاد و آتشکده ها ساخت:

پراکند اندر جهان موبدان نهاد از بر آذران گنبدان  
نخست آزر مهر برزین نهاد به کشم نگر تا چه آیین نهاد

و سپس فرمان داد:

سوی گنبد آذر آید روی بفرمان پیغمبر راستگوی

آتش ایرانی که هزاره ها پیش، یکی از پادشاهان بزرگ ایران در سر زمین ایران آنرا یافته بود و آنرا مینوی (مقدس) نامیده بود در ایران پاینده و ماندگار شد.

پس از هزاره ها زرتشت پاک پیامبر گرامی ایران زمین نیز آنرا گرامی داشت تا بماند و بکار مردم آید. این آتش تا امروز در نزد پیروان زرتشت گرامی است.

گرامیداشت آتش در نزد ایرانیان هرگز به این معنی نبوده که آتش خداست بلکه این بوده که نمونه ای از آفریده های اهورامزدا است که باید آنرا پرستید (نگاه داشت و از آن بهره گرفت). ایرانیان همواره خداوند جهان را میپرستیده اند. فردوسی در گزارش یابش آتش و گرامیداشت آن در زمان هوشنگ شاه پیشدادی این نکته را آشکارا گفته است:

نیا را همین بود آیین پیش پرستیدن ایزدی بود کیش  
بدانگه بُدی آتش خوب رنگ که مر تازیانراست مهرباب سنگ

یعنی همانگونه که تازیان در برابر سنگ سیاه (حجرالاسود در کعبه) میایستند و نماز میگذارند و آن سنگ را خدا نمیدانند ایرانیان هم در برابر آتش میایستند و نماز میگذارند و آتش را خدا نمیدانند.

زرتشتیان آتش را بنام یک یادگار دینی و میهنی ارجمند میدانند. آیا زرتشتیان آتش پرستند؟ آری آتش را گرامی و ارجمند میدانند. نه اینکه آنرا خدا میدانند: پرسندن باید فرهیخته شود و معنی های گونه گون پرستیدن را یاد گیرد.

### بن مایه ها

دیده ها، شنیده ها، و خوانده های نویسنده از نو جوانی تا کنون.

گرشاسبنامه، از اسدی توسی، به کوشش دکتر برات زنجانی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹

شاهنامه فردوسی، به کوشش محمد روشن - مهدی قریب، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۴

واژه نامه های گوناگون پارسی



## رستوران حاتم

در جایی گرم و خانوادگی  
با خوراک های خوشمزه ی ایرانی

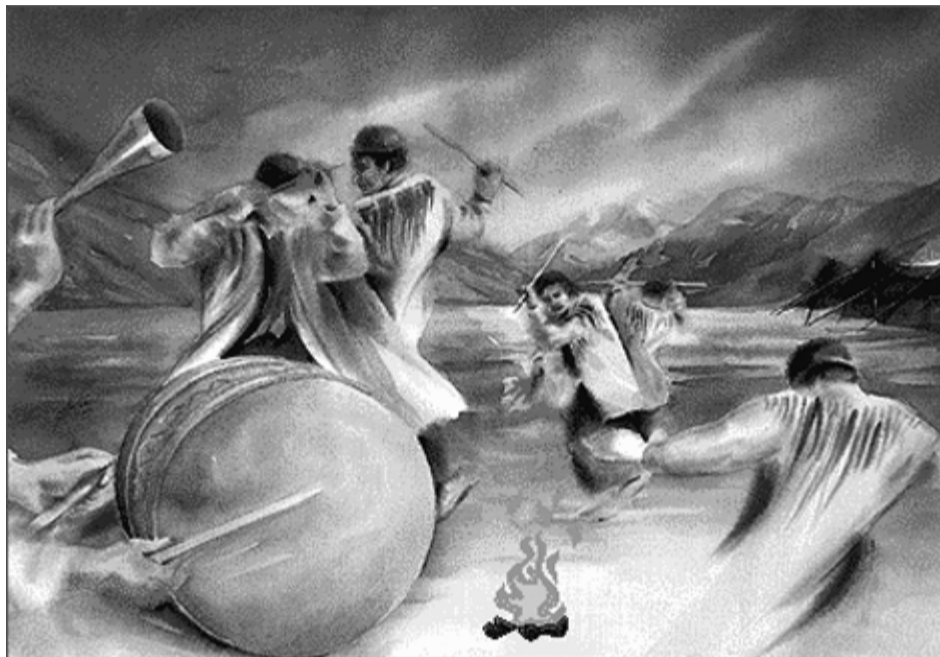
سپارش خوراک برای میهمانی ها و همایش های شما  
با بهای ارزان

**HATAM RESTAURANT**  
1112 N. BROOKHURST #6  
ANAHEIM, CA 92801  
(714) 991-6262



بر گرفته از همازور

## جشن چهارشنبه سوری



جشن چهارشنبه سوری به همراه دیگر آیین آن با گوناگونی و زیبایی بسیار و آواز و ترانه های شادی بخش و بزم و پایکوبی در همه سرزمین ایران بزرگ از چند هزار کیلومتری کردستان تا چین برگزار می شود. گستره برگزاری این جشن، نشان از شکوه و پایداری فرهنگی کهن این بوم دارد.

« واژه جشن از کلمه « یسنه » آمده که ریشه اوستایی دارد و به معنی ستایش کردن است. بنابراین معنی واژه جشن، ستایش و پرستش است. هدف از برگزاری جشن ها در ایران باستان، ستایش پروردگار، گردهمایی مردم، سرور و شادی، داد و دهش و بخشش به بینوایان و زیردستان بوده است» (۲).

سور (SUR) واژه ای پهلوی است که به معنای: بزم، جشن، جشن عروسی آمده است. و "سوری" نیز به معنای: گل سرخ رنگ، رنگ سرخ، شادی و چیز دیگری که به رنگ سرخ باشد مورد استفاده قرار گرفته است. پس چهارشنبه سوری را می توان یک جشن و شادی دانست که با سرخی همراه است و این سرخی همان آتش است. اما اگر بپذیریم که چهارشنبه سوری همان جشن سوری است و جشن سوری به معنای ستایش آتش؛ نباید این ترکیب ما را به اشتباه بیاورد که مردم آتش را به عنوان خدا ستایش می کردند. همانطور که پیش تر گفته شد هر چیز خوبی به خدا نسبت داده می شود و در این میان روشنایی آتش که مهم ترین نقش را در زندگی بشر بازی می کند، نشانی از حضور خداوند است. اگر بخواهیم برای این نوع ستایش مثالی ذکر کنیم می توان به ستایش کعبه که قبله مسلمانان است اشاره کرد. آیا مسلمانان در کعبه به ستایش سنگ می پردازند یا به ستایش خداوند؟ بدون شک کعبه مکانی روحانی است که انسان را به یاد خدا می اندازد و انسانی که به سوی آن سجده می کند، نه برای سنگ که برای بزرگی خداوند به خاک افتاده است. توجه به آتش و احترام به آن نیز برای انسان ایران باستان چنین بوده است و هم اکنون نیز در بسیاری از ادیان، روشن کردن آتش پیش از نیایش مرسوم است که می توان برای مثال به « روشن کردن شمع» در مکان های مقدس اشاره کرد. پس جشن سوری یا چهارشنبه سوری مراسمی است که مردم در کنار آتش به شادی می پردازند و این شادی نوعی ستایش و سپاس از خداوند است که با پایان دادن به زمستان و تولد بهار و سبزی به آنها زندگی تازه می بخشد.

### ریشه واژه:

چهارشنبه سوری از دو واژه "چهارشنبه" پایان سال و واژه "سوری" که همان "سوریک" پهلوی و به چم معنی سرخ است ساخته شده است و روی هم رفته به چم چهارشنبه سرخ است.

### پیشینه و سرچشمه:

به باور نیکان ما در پنج روز مانده به پایان سال فروهر مردگان برای سرکشی بازماندگان خود به زمین فرود می آیند و در پایان شب سال که پایان جشن گاهان بارهمسپهمدیم است و پسان (بعداً) باز نمود خواهد شد، بر روی بام رفته و فانوسی به لبه بام خود می گذاشتند که تا بامداد روشن است. سپیده دم بر روی بام می رفتند و آتش افروزی آغاز می شد که با نوای اوستا در هم می آمیخت. این آیین با دمیدن نخستین پرتو خورشید پایان می پذیرفت و نوروز آغاز می شد. گویا آیین آتش افروزی شب جشن چهارشنبه سوری از آتش افروزی زرتشتیان یا ایرانیان باستان در شب پایان سال سرچشمه گرفته شده است ولی آیین آن با آیین شب پایان سال بسیار دیگرگون است.

### چرا چهارشنبه پایانی سال

دیدگاه های گوناگون درباره بر گردیدن شب چهارشنبه برای این آیین: در ایران باستان خرید نوروزی همچو آینه، کوزه و اسپند را از چهارشنبه بازار فراهم می کردند. بازار در این شب چراغانی و زیور بسته و سرشار از هیجان و شادمانی بود و خرید هر کدام هم آیین ویژه ای را نوید می داد. شاید جشن شب چهارشنبه سرچشمه از چهارشنبه بازار دارد.

نخستین و کهن ترین نسکی (کتابی) که در آن نام چنین آتش افروزی آورده شده است، "تاریخ بخارا" نوشته ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی است، ولی در آن نامی از زمان برگزاری جشن آورده نشده است، ولی گزاره "هنوز سال تمام نشده بود" و نیز "شب سوری" آمده است.

دومین نوشتار کهن که نام جشن چهارشنبه سوری را می آورد، شاهنامه فردوسی در سرگذشت سردار دلیر ایران، بهرام چوبینه است. ولی چرا چهارشنبه؟

بشد چهارشنبه هم از بامداد بدان باغ که امروز باشیم شاد

...

ز جیهون همی آتش افروختند زمین و هوا را همی سوختند

### برگزاری آیین جشن چهارشنبه سوری:

پسین (غروب) بوته ها را به شمار سه یا هفت کوبه آتش به نماد "پندار نیک"، "گفتار نیک" و "کردار نیک" و یا هفت امشاسپند "هرمزد"، "وهومن"، "اردیبهشت"، "شهریور"، "سپندارمذ"، "خورداد" و "امرداد"، روی هم می گذارند و هنگامی که خورشید فرو می نشیند، آن را بر می افروزند تا آتش سر به آسمان کشیده جانشین خورشید شود. آتش می تواند در بیابان ها یا رهگذرها یا در خرنده (حیاط) و بام خانه ها افروخته شود.

هنگامی که آتش گر کشید از رویش می پرند و ترانه هایی که در همه آنها نشان از تندرستی و بارآوری و پاکیزگی است، می خوانند:

"سرخ تو از من و زردی من از تو" که در اینجا سرخی آتش نماد تندرستی و شادابی و روشنایی است و زردی نماد بیماری و اندوه و سستی است.

آتش چهارشنبه سوری را خاموش نمی کنند تا خودش خاکستر شود. سپس خاکسترش را که سپند (مقدس) می دانند، کسی گرد آوری می کند و بی آنکه پشت سرش را نگاه کند، سر نخستین چهار راه می ریزد. در باز گشت، باشندگان خانه از او می پرسند:

کیستی؟

می گوید: منم

از کجا می آیی؟

از اروسی (گوشزد: واژه اروسی اوستایی است که به عربی رفته و عرب ها آنرا به گونه عروسی می نویسند)

چه آورده ای؟

### تندرستی

آیین چهارشنبه سوری تنها به آتش افروزی بسنده نمی شود، خانه تکانی پیش از چهارشنبه سوری، خریدن آیین و کوزه نو، خرید اسپند دانه، چراغانی، فراهم کردن و خوردن آجیل هفت مغز، کوزه شکستن، فال گوش ایستادن، فال کوزه، ریختن آب به گوشه و کنار خانه، به بیابان رفتن در روز چهارشنبه سوری، تخم مرغ شکستن، شال اندازی، کفچه (قاشق) زنی، گره گشایی از بخت دختران با بستن کوبله (قفل) به گردن، نشستن روی چرخ کوزه گری، شکستن گردو، گفتن آرزوها به آب روان، فریاد زدن خواسته ها در چاه کهن، یاری خواستن از "چهارشنبه خاتون"، رنگ کردن خانه با گل هایی به رنگ آبی و زرد، پختن آش ویژه چهارشنبه سوری و... می باشد.

## کوروش کیخسرو شاهرخ



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

### دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها

ثبت حق تالیف، اختراعات، علایم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معالجات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of  
**Koorosh K. Shahrokh, Esq.**

Tel: (818) 996-7300

Fax: (818) 996-7301

6345 BALBOA BLVD. SUITE 232, ENCINO, CA 91316



## جدول شماره ۱۲

از خداداد خدابخشی

## ایران

مهدی اخوان ثالث

ترا، ای کهن بوم و بر دوست دارم  
ترا دوست دارم، اگر دوست دارم  
ترا ای گرامی گهر دوست دارم  
بزرگ آفرین نامور دوست دارم  
هم اندیشه ات، هم هنر دوست دارم  
وگر نقد و نقل سیر دوست دارم  
بر اوراق کوه و کمر دوست دارم  
نئین خامه، یا کلک پر دوست دارم  
عیان های تو چون خبر دوست دارم  
هم آن فره و فروهر دوست دارم  
که پیری است روشن نگر دوست دارم  
ز هر پیر و پیغامبر دوست دارم  
من آن بهترین از بشر دوست دارم  
مفیدی چنین مختصر دوست دارم  
من ایرانی راهبر دوست دارم  
ازینروش هم معتبر دوست دارم  
از افسانه آن سوی تر، دوست دارم  
همه دشت و در، جوی و جردوست دارم  
همه بوم و بر، خشک و تر دوست دارم  
که بودند فخر بشر دوست دارم  
چنانچون ز آهن جگر دوست دارم  
از آن گشته زیر و زبر دوست دارم  
و گر چند، سطری خبر دوست دارم  
بپاکی نسیم سحر دوست دارم  
در آفاق فخر و ظفر دوست دارم  
کند در دل و جان اثر دوست دارم  
که انگیزد از جان شرر دوست دارم  
که جان را کند شعله ور دوست دارم  
همه شور و شعر و سمر دوست دارم  
که شان همچو بحر خزر دوست دارم  
که شیرینتریش از شکر دوست دارم  
من آن پیشگام خطر دوست دارم  
فزونتر ز نصف دگر دوست دارم  
ز جان و دل آن پهنه ور دوست دارم  
من آن مهد ذوق و هنر دوست دارم  
درخت نجابت ثمر دوست دارم  
که شان خشک و تر، بحروبر دوست دارم  
بجان این یک و آن دگر دوست دارم  
برویاندم بال و پر دوست دارم  
در آفاق رویا سفر دوست دارم  
بجای خود این هر دو سر دوست دارم  
من آن اوج قدر و خطر دوست دارم  
که این تازه رنگ و صور دوست دارم  
برای تو، ای بوم و بر دوست دارم  
برومند و بیدار و بهروز باشی

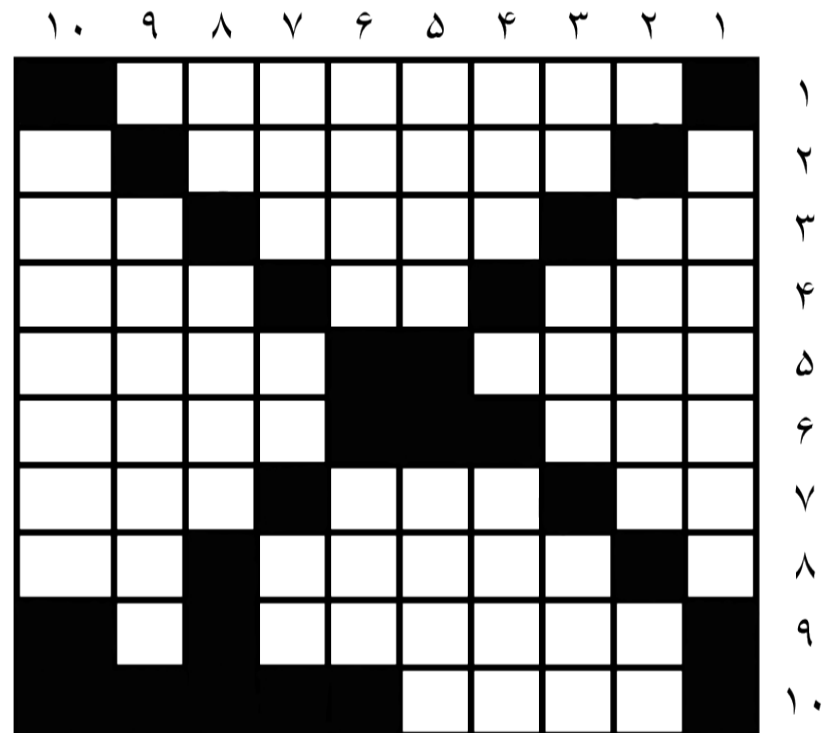
ز بوج جهان هیچ اگر دوست دارم  
ترا، ای کهن پیر جاوید برنا  
ترا، ای گرانبمایه، دیرینه ایران  
ترا، ای کهن زاد بوم بزرگان  
هنروار اندیشه ات رخشد و من  
اگر قول افسانه، یا متن تاریخ  
اگر خامه تیشه ست و خط نقر در سنگ  
وگر ضبط دفتر ز مشکین مرکب  
گمان های تو چون یقین می ستایم  
هم ارمزد و هم ایزدانت پرستم  
بجان پاک پیغمبر باستانت  
گرانمایه زردشت را من فزونتر  
بشر بهتر از او ندید و نبیند  
سه نیکش بهین رهنمای جهان ست  
ابر مرد ایرانی راهبر بود  
نه کشت و نه دستور کشتن به کس داد  
من آن راستین پیر را، گرچه رفته ست  
همه کشتزارانت، از دیم و فاراب  
کویرت چو دریا و کوهت چو جنگل  
شهیدان جانباز و فرزانه ات را  
به لطف نسیم سحر روحشان را  
هم افکار پرشورش را، که اعصار  
هم آثارشان را، چه پند و چه پیغام  
همه شاعران تو و آثارشان را  
ز فردوسی، آن کاخ افسانه کافراخت  
ز خیام، خشم و خروشی که جاوید  
ز عطار، آن سوز و سودای پر درد  
وز آن شیفته شمس، شور و شراری  
ز سعدی و از حافظ و از نظامی  
خوشا رشت و گرگان و مازندران  
خوشا حوزة شرب کارون و اهواز  
فری آذر آبادگان بزرگت  
صفاهان نصف جهان ترا من  
خوشا خطه نخبه زای خراسان  
زهی شهر شیراز جنت طرازت  
بر و بوم کرد و بلوچ ترا چون  
خوشا طرف کرمان و مرز جنوبت  
چو دیروز افسانه، فردای رویت  
هم افسانه ات را، که خوشتر ز طفلان  
هم آفاق رویانیت را؛ که جاوید  
چو رویا و افسانه، دیروز و فردات  
تو در اوج بودی، به معنا و صورت  
دگر باره بر شو به اوج معانی  
نه شرقی، نه غربی، نه تازی شدن را  
جهان تا جهانست، پیروز باشی

افقی:

- ۱- یکی از ایالات متحده امریکا.
- ۲- فقرا.
- ۳- کشنده ی بی صدا - باد ملایم و خنک - دویار قد بلند.
- ۴- در انگلیسی گذشته ی فعل گرفتن می دهد. - رودی در اروپا - تکرار آن پشه ایست خطرناک.
- ۵- کشور همسایه و هم دین ایران - نشو و نمو کردن.
- ۶- جلو پیشانی زنان را در قدیم می پوشاند. - کلمه ای از اوستا.
- ۷- با ناله سودا میشود. - پیغمبری که کشتی اش معروف است. - از آنطرف قمر است.
- ۸- حساب - روستا.
- ۹- شجاعت.
- ۱۰- برای کودکان ایده ال است.

عمودی:

- ۱- پرسش کردن.
- ۲- حشره پرکار و دور اندیش - دو الف کم دارد که پدر شود.
- ۳- به انگلیسی هستم معنی میدهد. - نوعی شیرینی است - رها.
- ۴- ترجمه فارسی آن درس است - حاجت.
- ۵- اسم کوچک عرفات - دشت و بیابان.
- ۶- فک ها - حاضر بودن.
- ۷- چرک - حرف صریح - دهن کجی.
- ۸- دو حرف سفره نشین - به کمر هم می بندند.
- ۹- سندی در دست دارد برای اثبات و به آن ... میکند.
- ۱۰- آفریننده ی آن حکیم ابوقاسم فردوسی است.



## پاسخ به جدول شماره ۱۱

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ر	ه	م	ه	ا	م	ر	ه	م	ز	و	ر
ش	و	د	ز	ی	ا	ن	ا	م	ا	س	ا
ن	د	ن	ا	س	ر	ج	س	س	ح	ح	س
ا	ه	ب	ب	ن	ا	ن	ت	ی	ت	خ	ت
ی	ر	ا	س	ا	ر	ر	ا	م	ا	م	ا
ز	ا	ا	ت	ر	ر	ن	ب	ن	ل	ل	ل
د	س	س	ا	ت	ا	ک	ی	ح	ل	ح	ل
س	ک	ا	م	ق	ق	ر	د	و	ل	ل	ل
ر	ک	ا	ا	ی	پ	و	ر	ق	ز	ق	ز
و	ش	ا	ر	ا	ف	ا	ر	ا	و	ی	و
ی	م	ا	د	ت	ل	ص	و	م	م	م	م
ش	ا	و	ا	ق	ا	س	س	س	س	س	س

## آگهی های نوروزی

پیام های شادباش نوروزی خود را در ماهنامه زرتشتیان  
به دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را شاد کنید.

Tel: (714) 893 - 4737

Fax: (714) 894 - 9577

Email: info@CZJournal.org



از تارنماهای گوناگون

## پیدا شدن سکه های ساسانی در گرمسار

گروه میراث فرهنگی... با تلاش یگان حفاظت شهرستان گرمسار ۶ قطعه سکه طلا که مربوط به دوره ساسانی است کشف شد. در پی تلاش و پیگیری یگان نگهبانی شهرستان گرمسار مردی که در پی فروش ۶ سکه طلا را داشت با هماهنگی نیروی انتظامی شهرستان گرمسار دستگیر شد. به گفته سرپرست یگان نگهبانی استان سمنان این فرد که از افراد سابقه دار شهرستان گرمسار نیز هست، پس از کار اطلاعاتی که توسط یگان شهرستان گرمسار صورت گرفته بود هنگامی که قصد فروش این سکه ها را داشت دستگیر شد. به گفته این سرپرست یگان نگهبانی شهرستان گرمسار با توجه به وسعت حدود ۱۰ هزار کیلومتری این شهرستان دارای وضعیت مناسبی از لحاظ نیرو و تجهیزات نیست.

## شرکت در آیین بزرگداشت هزارو یکصدو پنجاهمین سال رودکی شاعر پارسی گو در تاجیکستان

از موبد کورش نیکنام



انجمن پیوند (انجمن فرهنگی تاجیکان و فارسی زبانان) که سرپرستی آن را رییس جمهور تاجیکستان، امام علی رحمان به عهده دارد از اعضای این انجمن در سراسر دنیا همچنین از اندیشمندان و دوستداران فرهنگ و ادب پارسی دعوت کردند تا در جشن ۱۱۵۰ سالگی رودکی در این کشور حضور یابند. این بزرگداشت از تاریخ پنجم تا یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۸ میلادی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان و شهر پنجکیت، زادگاه رودکی برگزار شد.

اقامت میهمانان که از ۲۲ کشور جهان به جشن بزرگداشت رودکی آمده بودند در مهمانسرای بزرگ شهر دوشنبه به نام هتل اوستا بود.

پیش از آغاز مراسم جشن رودکی، آقای نیکنام به همراه همکیشانی که از پاریس و آمریکا به تاجیکستان آمده بودند و در بنیاد نهادن مرکز فرهنگسرای آریایی در یکی از شهرهای باستانی تاجیکستان سهم بسزایی داشتند در روزهای سوم و چهارم سپتامبر به شهر ایست روشن در ولایت خجند رفتند و با شرکت مردم این شهر و حضور استاندار و دولتمردان ولایت خجند، بنای فرهنگسرای آریایی که در ۳ اشکوب آمده شده بود مورد بهره برداری قرار گرفت. این مرکز با کلاس ها و دوره های گوناگون قادر است تا گسترش دهنده فرهنگ، اخلاق و تمدن آریایی به جوانان و نوجوانان شهر باستانی ایست روشن باشد، مغ تپه یکی از یادگارهای کهن این منطقه است که در گوشه ای از این شهر خود نمایی می کند. در آیین بزرگداشت رودکی که به پیشنهاد و دعوت رییس جمهور برپا شد، اندیشمندان با سخنان خود به بیان شخصیت رودکی و جایگاه او در سرودن شعر پارسی در زمان خود پرداختند.

در روز ۶ سپتامبر میهمانان در پای مجسمه های اسماعیل سامانی و استاد رودکی حضور یافتند و شاخه های گل را به جایگاه آنان نثار کردند سپس در کاخ وحدت و پسین همان روز در تالار آکادمی علوم به بررسی دیدگاه اندیشمندان در باره جایگاه رودکی پرداختند و شامگاه این روز را در تاتر دولتی آکادمی درام لاهوتی شرکت کرده و نمایشنامه باشکوه زندگی رودکی را تماشا کردند.

در روز ۷ سپتامبر نیز پس از ایراد سخنرانی ها برای جایگاه و شخصیت رودکی در کاخ وحدت این شهر میهمانان از موزه ملی تاجیکستان و از موزه تاریخ این کشور دیدار کردند و در پذیرایی شام با حضور رییس جمهور شرکت کردند.

در روز ۸ سپتامبر جشن بزرگ و باشکوهی در تالار باربد شهر دوشنبه برگزار شد. این جشن باشکوه به مناسبت هفدهمین سالگرد استقلال کشور تاجیکستان و بزرگداشت جایگاه رودکی بود که در آن رییس جمهور تاجیکستان در جمع باشندگان، میهمانان و سفیرای کشورهای خارجی و هنرمندانی که با موسیقی و حرکات موزون آمده بود حضور یافتند. امام علی رحمان در سخنان خود به پیشرفت های ارزنده تاجیکستان پس از استقلال کشورشان اشاره کردند و از رودکی به عنوان یکی از برجسته ترین شاعران و دانشمندان گذشته تاجیکستان یاد کردند.

بامداد روز ۹ سپتامبر میهمانان با چند پرواز اختصاصی به شهر پنجکیت رفتند این شهر که سابقه شش هزار ساله فرهنگ و تمدن را در خود جای داده است مکانی است که سغدیان به نیایش مهر می پرداخته و در آثار کشف شده یادگارهای نگهداری آتش مقدس نیز وجود دارد که به شکل خورشید ساخته شده و در مرکز آن آتش نگهداری می شده است، شهر پنجکیت باستانی با حمله اعراب ویران شده و معماری باقیمانده آن هم اکنون با دستور رییس جمهور در حال بازسازی است.

میهمانان از شهر باستانی سرزمین رودکی دیدار کردند که یادگارهای فراوانی را از تاریخ در دل خود جای داده است. در روز ۹ سپتامبر میهمانان با چند دستگاه اتوبوس به شهر پنجرود رفتند که در فاصله هفتاد کیلومتری پنجکیت قرار دارد و زادگاه رودکی است و آرامگاه این شاعر پارسی گوی نیز در این مکان وجود دارد. رییس جمهور تاجیکستان به جمع مردم این شهر و میهمانان وارد شدند و در کنار آرامگاه رودکی به سخنرانی پرداختند و از موزه این مرکز دیدار کردند و سپس از تندیس رودکی که به تازگی در بخشی از این شهر نصب شده است پرده برداری کردند.

## بازمانده های دوره اشکانی در اردبیل یافته شد

قلعه بونی یوغون در ۲۵ کیلومتری اردبیل و در نزدیکی شهرستان نیر قرار گرفته است و این قلعه باستانی وابسته به دوران اشکانی است که برای مرکز فرماندهی و نظامی در آن زمان مورد استفاده بوده است. کارشناس کاوش این منطقه، گفت: به دلیل اهمیتی که این قلعه در طول تاریخ ایران داشته است، کاوش در دوره سوم شروع شده و در طی سه فصل از سال ۱۳۸۴ تاکنون نتایج بسیار ارزشمندی گرفته شده است که از جمله این نتایج یافتن کارگاه فلزگری دوره اشکانی است. کوره فلز کاری یافت شده در موارد مختلف مورد استفاده قرار می گرفته و داخل آن دو دستگاه هاون در محل اصلی قرار گرفته که کاربرد مختلفی از جمله برای کوبیدن اکسیدهای فلزات استفاده می شد. جای دو تیرک به صورت سنگی نیز در این کوره قرار گرفته است که گفته می شود از این ها برای برافراشتن سقف استفاده شده است. در قسمت های مختلف این قلعه قدیمی می توان بازمانده هایی از معماری وابسته به دوران اشکانیان تا زمان صفویه را مشاهده کرد.

## پیمایش غار "پراو" و نصب نماد ملی فروهر

گروه پیشرو غارنوردی جوانان ایرانی در آستانه یادروز کورش بزرگ، موفق به پیمایش غار «پراو» در استان کرمانشاهان شدند. در آستانه روز کورش بزرگ و به یاد این ابرمرد تاریخ ایران و پیام جاودانه اش، مهرداد حاجی هاشمی از اصفهان، یوسف سوری نیا از کرمانشاه و آیت پور غلامی از رشت، به عنوان گروه پیشرو غارنوردی و سنگ نوردی جوانان ایرانی، پس از پیمایش ۱۴۵۴ متر در طول غار و پایین رفتن در عمق ۷۵۲/۵ متری غار «پراو» و گذشتن از تالارهای متعدد این غار از جمله تالار «فردوسی» و تالار «کورش بزرگ»، موفق شدند تا به یاد کورش بزرگ «نماد ملی فروهر» را که به صورت پرس لامینیت تهیه شده بود بر دیواره حوضچه انتهایی غار نصب کنند.

غار پراو (= پر آب) در حدود دوازده کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه، در نزدیکی روستای «چالابه» بر بلندای ۳۰۵۰ متری کوه «پراو» بلندترین قله استان کرمانشاهان (با ارتفاع ۳۳۵۷ متر از سطح دریا) و در کنار میدان جنوبی قله کوه «پراو» از رشته کوه زاگرس قرار دارد. غار پراو یکی از عمیق ترین غارهای ایران و جهان به شمار می رود که پیش تر با عنوان «اورست غارهای جهان» شناخته می شد. گفتنی است غار «پراو» با درجه سختی پیمایش «۵ دی» از دشوار گذرترین غارهای جهان به شمار می رود و تاکنون سه نفر از جوانان برومند ایرانی با نام های سعید امینی (سال ۷۶)، امیر احمدی و ویکتوریا کیانی راد (سال ۸۱) در هنگام پیمایش این غار جان خود را از دست داده اند؛ اما خوشبختانه غار پیمایی این گروه اخیر از جوانان ایرانی با موفقیت و افتخار به پایان رسید.

## ابراز همدردی زرتشتیان لندن و رویداد ناگوار بمبئی

چند هفته پیش زرتشتیان انگلستان در برنامه گردهمایی و آیین گاهانبار که در مرکز زرتشتیان لندن برگزار شد رویداد ناگوار تاج محل بمبئی را که به دست گروهی افراد ناشناس و تروریست انجام گرفت را محکوم کرده و به احترام درگذشتگان این رویداد ناگوار که چندین تن از آنها زرتشتی نیز بودند یک دقیقه سکوت کردند. در این برنامه که گروه زیادی از زرتشتیان ایرانی و پارسی شرکت داشتند با شام ایرانی از باشندگان پذیرایی شد.

هتل ۵ ستاره تاج محل بمبئی یکی از بزرگترین هتل های بمبئی است که تاکنون پذیرای بسیاری از سیاستمداران بزرگ و ثروتمند جهان بوده است. این هتل نزدیک به ۱۰۵ سال پیش به دست جمشید تاتا پدر صنعت هندوستان و یکی از زرتشتیان ساکن این کشور ساخته شد.



## اسفندگان، بزرگداشت مادران

موبد کورش نیکنام



در فرهنگ و سنت مردم ایران باستان جشن و شادمانی یکی از جلوه های نیک زندگی بوده و شادمان زیستن برای همگان آرزو شده است. با پژوهش در کتاب اوستا و تاریخ دینی ایران باستان و با بررسی سنت های ملی این سرزمین در می یابیم که جشن های بسیاری از روزگاران دور و نیک در ایران وجود داشته است و نیاکان فرزانه ما به پیروی از سفارش اشوزرتشت (پیامبر ایران زمین) همواره بر آن بودند تا جشن و شادمانی را گسترش دهند. به همین انگیزه جشن هایی به مناسبت های گوناگون تاریخی، ملی و دینی برپا داشتند. برخی از آن ها چون جشن نوروز، مهرگان و سده از آیین ها و جشن های ملی ایران به شمار می آیند. در گاهشمار (تقویم) ویژه زرتشتی هر سال ۱۲ ماه دارد و هر ماه سی روز است که هر روز با نامی ویژه شناخته می شوند.

از سوی دیگر نام دوازده ماه نیز در بین نام های سی روزه وجود دارد. بدین ترتیب نام های دوازده گانه ماه با دوازده نام از اسامی روزها مشترک هستند و در هر ماه برابر شدن روز و ماه را زرتشتیان جشن می گیرند. به عنوان مثال روز فروردین از ماه فروردین ماه، فروردین گان جشن گرفته می شوند. و روز تیر از تیرماه جشن تیرگان نام دارد. یکی از جشن های برجسته و فرخنده که نیاکان ما با شور و سروری ویژه آن را برپا داشتند "جشن سپندارمذ" یا جشن "اسفندگان" است. جشن اسفندگان برای گرامیداشت فروزه پاک و ارزشمند سپنته آرمئی تی یا سپندارمذ است. سپنته آرمئی تی یا سپندارمذ است. سپنته آرمئی تی یا سپندارمذ است. سپنته آرمئی تی مظهر ایمان، فداکاری، فروتنی، بردباری، وفاداری، مهر و محبت، تواضع، جانبازی، اندیشه رسا و حامی زنان نیک و پارسا است. در کتاب گات ها، سروده های جاودانه اشوزرتشت از فروزه سپنته آرمئی تی بارها یاد شده و ویژگی های آن برشمرده شده است.

"ای آرمئی تی، ای مظهر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش زندگی سراسر نیک منشی است به من ارزانی دار..."  
گات ها هات ۴۳ بند ۱

"پروردگارا مرا به سوی راستی و پاکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا با پیروی از آرمئی مظهر ایمان و محبت به رسایی نایل آیم"  
هات ۴۳ بند ۳

"آرمئی نور محبت و ایمان را در دل رادمردان روشن کرده آنان را به سوی حقیقت رهبری خواهد کرد"  
هات ۴۳ بند ۶

آرمئی تی چون نماد مهر و محبت، عشق و پاکی، ایمان به خدا و فکر رسا است، پس به هنگام تردید و دودلی با یاری از او می خواهیم تا نور ایمان و عشق به خدا را در دل های ما به وجود آورد و ما را به سوی رسایی راهنمایی کند.

در فرهنگ زرتشتی شش فروزه و صفت بین انسان و خداوند مشترک است به گونه ای که انسان می تواند با بهره مندی و به کار گیری هر یک از صفت ها به اهورامزدا نزدیک شود. در بین این ویژگی

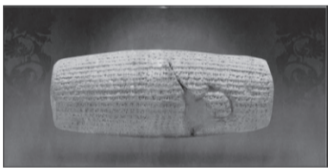
ها چهارمین صفت فروزه سپنته آرمئی تی نام دارد که در فارسی به سپندارمذ یا اسفند تبدیل شده و به معنی عشق پاک و آرمان مقدس می باشد و از آنجا که عشق، فداکاری، مهر، محبت، ایثار و از خود گذشتگی همواره با نام زن و مادر همراه بوده است به همین روی در ایران باستان برابر شدن روز سپندارمذ با ماه اسفند را جشن می گرفتند و آن را اسفندگان می گفتند.

ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیاقیه آورده است: "اسفندارمذ فرشته موکل بر زمین است... سپندارمذ در ماه سپندارمذ به جهت یکی شدن نام روز با ماه عید زنان بوده است و مردان به زنان هدیه می دادند. این رسم در شهرهایی چون اصفهان، ری و پهل و شهرهای مرکزی و غرب ایران) باقی مانده است و به فارسی مزدگیران گویند" چنانچه بیرونی نیز اشاره کرده است ستایش مادران و زنان از ویژگی های اسفندگان است. در این روز مردان و فرزندان با برگزاری مراسم شاد و هدیه دادن از مهر مادران سپاسگزاری می کنند، در این روز زنان و مادران لباس نو می پوشند و انجام کارهای خانه بر عهده پدران و فرزندان است. در اوستا مجموعه نوشته های دینی و آیینی نیز بارها به زنان پارسا و نیک، درود فرستاده شده جایگاه و مقام بلند معنوی برای آنها آرزو می شود.

"... از بین زنان و مردان، کسی که برابر آیین راستی ستایشش بهتر است، مزدا اهورا از آن آگاه است. اینگونه زنان و مردان را می ستاییم این زمین را با زنانی که بر روی آن زندگی می کنند می ستاییم. ای اهورامزدا می ستاییم زنانی را که در اثر درستکاری و راستی سرآمد شده اند... ما می ستاییم مردان و زنان نیک اندیش که در هر کشور با وجدان نیک بر ضد بدی قیام می کنند... کدبانوی خانه را که اشو و سردار اشو است می ستاییم. زن پارسایی را می ستاییم که بسیار نیک اندیش بسیار نیک گفتار، بسیار نیک کردار، فرهیخته و با شوهر خود و اشو باشد. ای اهورامزدا ما می ستاییم یاری رسان را..."  
و از سوی دیگر سپنته آرمئی تی در نقش مادی خود نگهبان زمین شناخته می شود و این به دلیل ویژگی های مشترک زمین با زن مانند زاینده گی، فروتنی، مهربانی، بردباری و مهر و محبت شایسته است. سپندارمذ، روز زن و زمین نامیده می شود. پس هم اکنون در گاه شماری خورشیدی با روز بیست و نهم ماه بهمن برابر شده است. برای گرامیداشت زمین و زن گرفته می شود. اسفندگان روز مادر، روز زن و زمین، گرامیداشت همه فروزگان پسندیده نیکوی انسانی کیش زرتشت است.

### درخواست از همه ایرانیان و ایران دوستان

راهنمای تلفن زرتشتیان آمریکای شمالی  
۱۵ سال پیاپی چاپ و پخش  
هر سال رستار و پربار تر از سالهای پیش



از همه بازرگانان، پیشه وران، پزشکان و دیگر ایرانیان خواهشمندیم با دادن آنچهی در دفتر راهنمای تلفن زرتشتیان به پیشه خود یاری دهند و به آیین و فرهنگ ایران زمین نیز کمک کنند.

برای دریافت آگاهی بیشتر به تلفن

**714-893-4737**

زنگ بزنید

### دفتر حقوقی

## دکتر سالومه امیرقهاری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال با فوق تخصص در امور مالیاتی

**Saloumeh Amirghahari, J. D., LL.M. (tax)**  
Attorney At Law

- Estate Planning, Trust Administration & Probate امور انحصار وراثت
- Corporations, Partnerships, LLC امور تجاری و بازرگانی
- Business Contracts & Agreements ثبت و انحلال شرکت ها
- Asset Protection حفاظت از سرمایه و اموال
- Tax, IRS, FTB, Board of Equalization, تنظیم قراردادها
- Tax Courts and Collections دعاوی مالیاتی با IRS و FTB
- Immigration Law امور مهاجرت

(949)387-1818  
Orange County

(310)893-9993  
Los Angeles

Cell: 714-469-4722

Fax: (949) 263-0005

J. D., LL.M.  
Taxation, Estate Planning  
Corporate and Business Law

19800 MacArthur Blvd., Suite 1000 • Irvine, CA 92612-2433 • Email: sally@amirghaharilaw.com



## پاره ای از فریاد خاک

## آرش کمانگیر

### سرودهی سیاوش کسرای

### از رودبار کی

برف می بارد،  
برف می بارد به روی خار و خاراسنگ.  
کوهها خاموش درهها دلتنگ.  
راهها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...  
بر نمی شد گر ز بام کلبهها دودی،  
یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی آورد،  
ردیابها گر نمی افتاد در جادههای لغزان،  
ما چه می کردیم در کولاک دل آشفتهی دمسرد؟  
آنک، آنک کلبه ای روشن،  
روی تپه، روبروی من...  
در کنار شعله ای آتش،  
قصه می گوید برای بچه های خود  
عمونوروز:  
«... گفته بودم زندگی زیباست.  
گفته و ناگفته، ای بس نکته ها کاین جاست.  
آسمان باز؛ آفتاب زر؛ باغ های گل؛  
دشت های بی در و پیکر؛  
سر برون آوردن گل از درون برف؛  
تاب نرم رقص ماهی در بلور آب؛  
بوی خاک عطر باران خورده در کھسار؛  
خواب گندم زارها در چشمه ی مهتاب؛  
آمدن، رفتن، دویدن؛  
عشق ورزیدن؛  
در غم انسان نشستن؛  
پا به پای شادمانی های مردم پای کوبیدن؛  
کار کردن؛ کار کردن آرمیدن؛  
چشم انداز بیابان های خشک و تشنه را دیدن؛  
جرعه هایی از سبوی تازه آب نوشیدن؛  
گوسفندان را سحر گاهان به سوی کوه راندن؛  
هم نفس با بلبان کوه آواز خواندن؛  
در تله افتادگان آهو بچگان را در پناه دره ماندن؛  
آری، آری، زندگانی شعله می خواهد  
صدا سر داد عمونوروز:  
شعله ها را همیشه باید روشنی افروز  
کود کانه، داستان ما ز آرش بود.  
او به جان خدمتگزار باغ آتش بود

### به کوشش : مهزاد شهریاری

به تو میگویم  
جامه باید پوشید!  
- وقت برخاستن است!  
تو به من می گویی:  
جامه های من و تو،  
آن زمان جامه شود  
که به خود گیرد رنگ  
رنگ شعر زرتشت  
رنگ پاکی و خرد  
رنگ آگاهی و بیداری ژرف!  
باز می گویی:  
و چه خوش لحظه آهنگینی است  
و چه خوش رنگ بود آن هنگام  
که همه هستی ما  
اینچنین رنگ شود  
رنگ بی رنگ شود!  
و در آن هم رنگی  
دستهای من و تو،  
کو به کو، دشت به دشت،  
مثل پرواز هما!  
پر آفاق شوند!  
من به تو می گویم:  
این همان نقطه اوج است،  
که راه من و توست



ولیکن چاره را امروز زور و پهلوانی نیست.  
رهایی با تن فولاد و نیروی جوانی نیست.  
در این میدان،  
بر این پیکار هستی سوز سامان ساز.  
پری از جان بیاید تا فرو ننشیند از پرواز.  
پس آنگه سر به سوی آسمان بر کرد،  
به آهنگی دگر گفتار دیگر کرد،  
درو، ای واپسین صبح ای سحر بدرود!  
که با آرش تو را این آخرین دیدار خواهد بود.  
به صبح راستین سوگند!  
به پنهان آفتاب مهر یار پاک بین سوگند  
که آرش جان خود در تیر خواهد کرد.  
زمین خاموش بود و آسمان خاموش،  
تو گویی این جهان را بود با گفتار آرش گوش.  
نظر افکند آرش سوی شهر آرام،  
کودکان بر بام،  
دختران بنشسته بر روزن،  
مادران غمگین کنار در،  
مردها در راه،  
دشمنانش، در سکوتی ریشخند آمیز،  
راه وا کردند،  
کودکان از بامها او را صدا کردند.  
مادران او را دعا کردند،  
پیرمردان چشم گرداندند،  
دختران بفشرد گردنبندها در مشت،  
همه او قدرت عشق و وفا کردند.  
آرش اما همچنان خاموش،  
از شکاف دامن البرز بالا رفت.  
وز پی او  
پرده های اشک پی در پی فرود آمد.  
بست یک دم چشمهایش را عمونوروز،  
خنده بر لب، غرق در رویا  
کودکان، با دیدگان خسته و پی جو،  
در شگفت از پهلوانی ها  
شعله های کوره در پرواز،  
باد در غوغا، شامگاهان، راهجویانی که  
می جستند آرش را به روی قله ها پی گیر،  
باز گردیدند،  
بی نشان از پیکر آرش،  
با کمان و تیر کشی بی تیر،  
آری، آری جان خود در تیر کرد آرش  
کار صدها، صد هزاران تیغی شمشیر کرد آرش.  
تیر آرش را سوارانی که می راندند بر جیحون.  
به دیگر نیم روزی از پی آن روز،  
نشسته بر تناور ساق گردویی فرو دیدند،  
و آن جا را از آن پس  
مرز ایران شهر و توران باز نامیدند.  
سالها و باز،  
در تمام پهنه البرز،  
وین سراسر قلعه مغموم خاموشی که می بینید،  
وندرون دره های برف آلودی که می دانید.  
رهگذرهایی که شب در راه می مانند  
نام آرش را پیایی در دل کوهسار می خوانند،  
و نیاز خویش می خواهند.  
با دهان سنگ های کوه آرش می دهد پاسخ.  
می کنندشان از فراز و از نشیب جاده ها آگاه؛  
می دهد امید، می نماید راه.  
در برون کلبه برف می بارد.  
برف می بارد به روی خار و خاراسنگ  
کوهها خاموش،  
درهها دلتنگ؛  
راهها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...  
کودکان دیری است در خوابند.  
در خوابست عمونوروز.  
می گذارم کنده ای هیزم در آتشدان  
شعله بالا می رود پرسوز...

روزگاری بود  
روزگار تلخ و تاری بود  
بخت ما چون روی بدخواهان ما تیره،  
دشمنان بر جان ما چیره  
زندگی سرد و سیه چون سنگ،  
روز بدنامی،  
روزگار تنگ.  
سنگر آزادگان خاموش!  
خیمه گاه دشمنان پر جوش  
مرزهای ملک  
همچو سرحدات دامن گستر اندیشه  
بی سامان.  
باغهای آرزو بی برگ،  
آسمان اشکهای پربار.  
گرم رو آزادگان در بند،  
روسی نامردمان در کار...  
انجمن ها کرد دشمن.  
تا به تدبیری که در ناپاک دل دارند  
هم به دست ما شکست ما براندیشند.  
نازک اندیشانشان بی شرم،  
که مباداشان دگر روز بهی در چشم،  
یافتند آخر فسونی را که می جستند  
آخرین فرمان  
آخرین تحقیر  
مرز را پرواز تیری می دهد سامان  
گر به نزدیکی فرود آید؟  
خانه همام تنگ، آرزومان کور،  
ور پرد دور؟  
تا کجا؟... تا چند؟  
آه... کو بازوی فولادین و کو سرپنجه ای ایمان؟  
هر دهانی این خبر را باز گو می کرد...  
آنگاه عمونوروز این چنین ادامه می دهد  
که عاقبت دریای لشکر ایرانیان برش برداشت و  
آرش را چون مرواریدی از صدف سینه ی خود  
بیرون داد...:  
منم آرش  
چنین آغاز کرد آن مرد با دشمن  
منم آرش، سپاهی مرد آزاده  
به تنها تیر ترکش آزمون تلختان را  
اینک آماده، مجویدم نسب  
فرزند رنج و کار  
چو صبح آماده دیدار  
مبارک باد آن جامه که اندر رزم پوشندش  
گوارا باد آن باده که اندر فتح نوشندش  
شما را باده و جامه  
گوارا و مبارک باد!  
دلما را در میان دست می گیرم  
و می افشارمش در چنگ  
در این پیکار در این کار  
دل خلقی است در مشتم  
امید مردمی خاموش هم پشتم  
کمانداری کمان گیرم  
کمان کهکشان در دست  
شهاب تیزرو تیرم  
ستیغ سربلند کوه ماوایم  
به چشم آفتاب تازه رس جایم  
مرا تیر است آتش پر  
مرا باد است فرمانبر

## کسی نیست بیا در خود نگریم

من باور دارم ...  
که اگر من نگرش و طرز فکرم را کنترل نکنم، او مرا تحت کنترل خود در خواهد آورد.  
من باور دارم ...  
که ما مسئول کارهایی هستیم که انجام می دهیم، صرف نظر از این که چه احساسی داشته باشیم.  
من باور دارم ...  
که همیشه باید کسانی که صمیمانه دوستشان دارم را با کلمات و عبارات زیبا و دوستانه ترک گویم زیرا ممکن است آخرین باری باشد که آن ها را می بینم.  
من باور دارم ...  
که ما می توانیم در یک لحظه کاری کنیم که برای تمام عمر قلب ما را به درد آورد.  
من باور دارم ...  
که همیشه کافی نیست که توسط دیگران بخشیده شویم، گاهی باید یاد بگیریم که خودمان هم خودمان را ببخشیم.  
من باور دارم ...  
که صرف نظر از این که چقدر دلمان شکسته باشد دنیا به خاطر غم و غصه ما از حرکت باز نخواهد ایستاد.



## همایش فرهنگی و ارج گذاری

در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از پرویز منوچهری



بانو پریمرز جوانشیر سخنان دیگر مراسم بزرگداشت بودند که بانو فتانه فرید را به پاس آشنایی با دین زرتشت و ایران باستان ایشان را یک زرتشتی راستین یاد کردند. پیش از دادن لوحه یادبود فردوسی بزرگ بدین دو بزرگوار دکتر جعفری و بانو فرید از برگزاری این مراسم سپاسگزاری نمودند.



کنکاش فرهنگ ایران یازدهمین همایش فرهنگی خود را در ساعت ۱۰ بامداد روز یکشنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار کرد. فرنام این نشست یک روزه زندگی در غربت، جوان ایرانی و شناسنامه فرهنگی آن بود. این همایش فرهنگی با پخش سرودهای ملی، دینی و نیایش همگانی توسط موبد بهرام شهزادی این نشست گشایش یافت.

آقای دکتر بهرام گشتاسبی سرنشین انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا ضمن خوش آمدگویی به باشندگان در این نشست از بودن جوانان در این نشست قدردانی و یادآور این نکته شد که جوانان ایرانی ما هر کجا باشند فرهنگ، ملیت و هویت خود را فراموش نخواهند کرد. همچنین ایشان از دو نگین زمان خانم فتانه فرید و آقای دکتر علی اکبر جعفری به پاس پژوهش ها و مطالعات خود سپاسگزاری و قدردانی نمودند. این دو بزرگوار با تلاش های خود توانسته اند متن های خفته تاریخ را بیدار کنند، گرد و غبار آن را بزایند و بار دیگر ستایش و شکوفای ایرانی را به رخ همگان بکشند و بگویند ایرانی همیشه سربلند و پیروز پس از قرن ها همچنان استوار و پابرجا ایستاده است. تا هر کجا تاریخ باشد و انسان باشد نام زرتشت و پیام های آسمانی او، گاتها و تاریخ تمدن و فرهنگ ایرانی همچون نگین نورانی بر جام زرین جهان خواهد درخشید. سخنران نخست خانم دکتر میترا دینیاری از مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بودند که چالش های روبروی پدران و مادران در برابر فرزندان را بازبینی کردند.



آقای مهندس امینی سام دیگر سخنران مهمان این نشست بود که پیام های خود را به جوانان در قالب برداشت های خود از تاریخ ایران باستان بیان کردند. تاریخ گذشته ایران ساختاری از نیاکان مان هست. فرهنگ اندیشه، گفتار و کردار ما، بر اساس همین ساختار بنا شده است و شناسه ملی ما را تشکیل می دهد. سپس از سوی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و توسط ارباب مهربان بهرام زرتشتی به پاس خدمات ارزنده و پیشبرد آموزه های دین بهی از دو استاد فرهنگی فرهیخته آقای دکتر علی اکبر جعفری و بانو فتانه فرید در این همایش ارج گذاری شد. و لوح سپاس فردوسی بزرگ به این دو نازنین پیشکش شد. سپس استاد دکتر فرهنگ مهر با گفتار شیرین خود و یادی از خاطرات خوب گذشته خود را با دکتر جعفری برای باشندگان بازگو کرد.

این همدلی در اندیشه ها و هدف ها در عقایدشان نسبت به دین زرتشتی و نسبت به فرهنگ ایرانی و همچنین در شجاعت و در کار بوده، و این دوستی تا به امروز پایدار مانده و به آن افتخار می کنند. دکتر مهر در سخنان خود بنا بر آموزه های اشو زرتشت، دین یک انتخاب شخصی است. اگر چه یگانه بودن خدا از اساس دین ها می باشد اما موارد دیگری نیز می باشد. از جوانان خواهان یادآوری به دیگران شدند که با خرد خویش حرف ها را بسنجند. اگر خوب است بپذیرند. ما زرتشتیان بایستی خردگرا باشیم و بر خلاف برخی دین های دیگر که باور گرا می باشند. آقای دکتر جعفری به کمک تکی چند از دوستان و انجمن دوستاران زرتشت را ایجاد کردند که خوشبختانه هم اکنون این انجمن در اروپا و آمریکا به گسترش خود ادامه داده و پیام زرتشت را به گوش دوستارانش می رساند.



دکتر تورج دریایی از دانشگاه UC Irvine نخستین سخنران پس از نیمروز بودند که هدف آشنا سازی جوانان ایرانی با تاریخ ایران باستان را بیان کردند. تصاویری از ویژگی های برجسته تمدن ایرانی در دوره هخامنشی و ساسانیان را به نمایش گذاشتند.

سپس آقای مازیار قویدل از سوئد روش های پژوهشی و روزنامه نگاری ویژه پیرامون اینترنت را بیان کردند. و در پایان موبد کامران جمشیدی از انجمن جهانی زرتشتیان فرانسه پیرامون نقش گرایشات شرق و غرب بر ساختن شناسه فردی سخن گفتند. شناسه ریشه اش در اهوراست، اهورایی که در همه جا و همه کس وجود دارد و ریشه و بن و گوهر و نهاد و سرشت همه چیز و همه کس است. که انسانها در گوهر و ریشه یکسانند، در پیوندند و جدایی ندارند و این تنها لایه های ( هویتی) خوابیده بر روی هسته ی درونی و مرکزی انسان هستند که گوناگون هستند و رنگهای گونه گون دارند، لایه هایی مانند دین و ملیت و نژاد و رنگ پوست و شیوه ی خوراک و پوشاک و ...



جوانان ایرانی باید بدانند که اندیشه های قوم گرا و نژادپرستانه هیچ جایگاهی در فلسفه ی زرتشتی ندارند. این فلسفه نمی گوید که همه باید از همه نظر هم شکل گردند. هر ملت، فرهنگ و زبانی همچون گل است. هر گل هم رنگ و بوی خود را دارد. هیچ گلی هم رنگ و بوی خود را بدستور دیگری از دست نمی دهد. ایجاد جامعه جهانی ساختن یک دسته گل از گل های رنگارنگ با بوهای خوش گوناگون است. برنامه ریزی و مدیریت این همایش فرهنگی زیرنگر کنکاش فرهنگ ایران وابسته به مرکز زرتشتیان و با اجرای زیبای جوانان این کنکاش برگزار شد. با سپاس از همه آنها و آرزوی پیروزی و تندرستی برایشان.



GOOD THOUGHTS



# The ZOROASTRIAN Journal

Volume III, Issue 4

California Zoroastrian Center

Winter 2008/3746 Zoroastrian Calendar

## **Cover Story:**

**Mazda, The Light Bulb**

## **Other Topics:**

- **Persian Gulf, The Heritage Site**
- **Listen to Your Conscience**
- **Darius the Great and Ahura Mazda**
- **Gundishapur, The world's Oldest University**
- **Yalada**
- **Lives Worth Celebrating**





# The Zoroastrian Journal

Vol. III No.4  
Publish: Quarterly  
Winter 2008

## Topics:

Religions, Culture, Social,  
Science, History, News...

Senior Editors:

**Bahram Deboo**  
**Shahrooz Ash**

Chief Editor:

**Mehrdad Mondegari**

Director and Publisher:

**California Zoroastrian Center**  
**A Non Profit Organization**

## Board of Directors, Session 15

Ardeshir Baghkhanian,  
Houshang Farahmand,  
Sohrab Khosraviani,  
Farshid Namirani,  
Goodarz Bakhtiari,  
Kaweh Behizadeh

Typesetting & Page layout:

**Hassan Alizadeh**

Printed By:

**LA WEB PRESS**

## Authors/Writers

Armita Dalal,  
Dr. Ali Jaffary,  
Dr. Niaz Kasravi,  
Mahzad Shahriari,  
Bahram Deboo,  
Shahrooz Ash,  
Tehran Ghasri,  
Roshan McArthur,

Email: [info@CZCJournal.org](mailto:info@CZCJournal.org)

Tel: 714- 893-4737

Fax: 714- 894-9577

**WWW.CZCJOURNAL.ORG**



## CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE

WESTMINSTER, CA 92683

U.S.A.

**(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577**

[www.czc.org](http://www.czc.org)

Email: [info@czc.org](mailto:info@czc.org)

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.  
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.  
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

'Zoroaster was thus the first to teach the doctrines of an individual judgment, Heaven and Hell, the future resurrection of the body, the general Last Judgment, and life everlasting for the reunited soul and body. These doctrines were to become familiar articles of faith to much of mankind, through borrowing by Judaism, Christianity and Islam; yet it is in Zoroastrianism itself that they have their fullest logical coherence.' - Mary Boyce, *Op. Cit.* (p. 29)






---

### COVER STORY

**Page 4** - Mazda, The Light Bulb

---

### WORLD NEWS

**Page 5** - Persian Gulf, The Heritage site  
- Iran Retrieves 42 Stolen Artifacts

---

### KIDS CORNER

**Page 6** - Listen to Your Conscience

---

### YOUTH CAFE

**Page 7** - Iranian Artist, Golnaz Fathi

---

### LITERATURE

**Page 8** - Undertow

---

### GATHAS SECTION

**Page 9** - Darius the Great & Ahura Mazda

---

### HUMANITY

**Page 10** - The President's Race

---

### History & Culture

**Page 11** - Gundishapur, The World Oldest University

---

### PHILOSOPHY

- Good & Evil

---

**Page 12** **GENERAL**

- Yalda

**Page 13** - Jashan Ceremony

**Page 14** - Lives Worth Celebrating

## Editor's Note

By Mehrdad Mondegari

The readers and supporters of the Zoroastrian Journal give us great pride and energy.

The number of calls from our readers all around America has caught us by great surprise. We never thought that we would receive so much interest and so many questions. Unfortunately our limited resources and manpower prohibit us from answering all of our readers' questions.

In order to improve this situation, we have taken steps by opening a bank account at Washington Mutual so that interested individuals can donate funds. An ad has been placed in this issue with instructions.

Our hope is that this will enable us to improve our resources and manpower, which in turn will enable us to respond to more of our readers' questions. Therefore please support us, because this will ensure the Zoroastrian Journal's success.

Most of the feedback we have received has concerned Zoroastrian philosophy and Iranian culture. We try very hard to respond to as many of your questions as we can. Dr Zartosht Azadi has been responding to our readers who have linguistic questions, and we appreciate his help in this regard very much. One caller in particular wanted to know more about the death of our prophet and teacher Asho Zarathushtra Spitaman. Where did he die? What ceremonies do we have for his death?

Maybe it wouldn't be a bad idea for non-Zoroastrians to know that, first and foremost, Zoroastrians do not mourn when a person passes away. So, the same holds true about Zarathushtra's death.

Instead, Zoroastrians celebrate the passing of the deceased with prayers, reading of the holy scriptures, the Avesta, and by gathering together to eat and socialize.

According to the Zoroastrian calendar and historical documents, Zarathushtra passed away on December 25th, at the age of 77. His burial place is unknown; however, some people claim that he is buried at Mazar Sharif in Afghanistan.

Zoroastrians believe in celebration and joy, rejecting the notion of mourning a person's death. Instead, they celebrate the death of the deceased because they feel that the person's soul has entered a better place known as 'The House of Songs'. Physical death is not the end of existence for a Zoroastrian. If this is the case, then why mourn the person's death?

In Zoroastrian belief, celebration and joy is a way for us to get closer to Ahura Mazda (Wise Lord). Mourning and crying is not accepted because it is considered to be unwise behavior.

Zoroastrian philosophy states that the souls of all righteous men and women, after death, are happy because they believe they are going to a better place. Zoroastrians believe that, if we cry for a righteous person, then we are being ungrateful towards the creator.

Zoroastrian documents state that everything that motivates humans towards laziness, darkness and sadness, prevents human progress.

It is here that we must celebrate all life and unity among us. We must expand joy, light and life. We must advance progress. Let us unite in an effort to make this world better so that it reaches from its existing state of imperfection towards perfection. Zoroastrians believe happiness and peace is only achieved through hard work and righteousness.

The physical death of our Aryan prophet Zarathushtra does not mean he is no longer with us. His teachings, good spirit and memory will always remain in our minds.



## Edison's philosophy on governance, faith and ultimate reality

Many individuals in the academic world have characterized Thomas Edison as a 'free-thinker'. Edison was influenced by Thomas Paine's Age of Reason. Edison accepted and advocated Paine's 'scientific deism', saying, 'He has been called an atheist, but atheist he was not. Paine believed in a supreme intelligence, as representing the idea which other men



often express by the name of deity.' In an October 2, 1910 interview with the New York Times Magazine, Edison stated: 'Nature is what we know. We do not know the gods of religions. And nature

is not kind, or merciful, or loving. If God made me — the fabled God of the three qualities of which I spoke: mercy, kindness, love — He also made the fish I catch and eat. And where do His mercy, kindness, and love for that fish come in? No; nature made us — nature did it all — not the gods of the religions.'

Many claimed Edison was propagating atheism in those statements. Edison did not permit himself to be led by others into the controversy publicly. He defended himself in a private letter:

'You have misunderstood the whole article, because you jumped to the conclusion that it denies the existence of God. There is no such denial, what you call God I call Nature, the Supreme intelligence that rules matter. All the article states is that it is doubtful in my opinion if our intelligence or soul, or whatever one may call it, lives hereafter as an entity or disperses back again from whence it came, scattered amongst the cells of which we are made.'

The philosophy of Nonviolence was key to Edison's moral views, and when invited to serve as a naval consultant for World War I, he specified that he would only work on defensive weapons and later noted, 'I am proud of the fact that I never invented weapons to kill.' Edison's philosophy of nonviolence included animals as well, about which he stated: 'Nonviolence leads to the highest ethics, which is the goal of all evolution. Until we stop harming all other living beings, we are still savages.'

### Mazda, the light bulb

Mazda was a name used by General Electric and others for incandescent light bulbs. The company chose the name due to its association with Ahura Mazda, god of wisdom in Persian philosophy.

The company licensed the Mazda name, socket sizes, and tungsten filament technology, to other manufacturers in order to set a standard for lighting. Bulbs were soon sold by many manufacturers with the Mazda name attached, including Westinghouse. The company advertised their new bulb standard with paintings by Maxfield Parrish. Parrish (July 25, 1870 - March 30, 1966) was an American painter and illustrator.

The company dropped the campaign and let the trademark lapse in 1945 in the face of competition from Japan. Today, the Mazda name is mostly associated with the Mazda automobile manufacturer of Japan.

### The Mazda Lamp story

The earliest light bulb filaments were made of various carbonized materials, including bamboo. Light output was rated in candlepower, with one candlepower or (1CP) being roughly equivalent to the light output of a single beeswax candle. Most carbon Christmas lights were rated at either one or two CP, but in actuality the output from each lamp varied widely. Practically speaking, it was virtually impossible to accurately rate the output from carbon filaments, even though each filament was made to the same standards.

In the early days of electric light bulbs, most of the bulb manufacturers each had their own set of production standards, and light bulb quality and light output was quite different both from brand to brand and from lamp to lamp within each brand. Lamp bases were not standardized, and light output ratings would vary greatly. This inconsistency was most frustrating to the consumer, which resulted in less than stellar light bulb sales.

In 1909, General Electric came up with the idea of a set of manufacturing specifications to which all American lamp manufacturers could adhere, thereby effectively 'standardizing' light bulbs in the United States.

General Electric's new service would be available for a price to all lamp makers who subscribed, and the MAZDA name would be widely advertised by GE in almost all of the popular magazines of the day. The MAZDA name and standards were available for

license only for lamps using tungsten filaments.

Tungsten, a vast improvement over the carbon filaments, had a brighter, whiter light output which was much more even from lamp to lamp, assuring equal brightness when used in a string of Christmas lights. Improvements to household light bulbs were not usually incorporated into the small and much less used Christmas light bulbs until several years later due to increased production costs, and the use of tungsten in the manufacture of Christmas lamps did not appear until about 1916. It had been available in household lamps since 1907.

An ad, from the a 1917 issue of Popular Science magazine, explains the Mazda 'mission', and reads as follows:

### NOT THE NAME OF A THING, BUT THE MARK OF A SERVICE.

'The new light that MAZDA service throws on lamp-manufacturers' problems is reflected in the brighter, whiter light that MAZDA Lamps give in your home.

'The Meaning of MAZDA

'MAZDA is the trademark of a worldwide service to certain lamp manufacturers. Its purpose is to collect and select scientific and practical information concerning progress and developments in the art of incandescent lamp manufacturing and to distribute this information to the companies entitled to receive this Service. MAZDA Service is centered in the Research Laboratories of the General Electric Company at Schenectady, New York. The mark MAZDA can appear only on lamps which meet the standards of MAZDA service. It is thus an assurance of quality. This trademark is the property of the General Electric Company.'

Many of the lighting companies then in business licensed the MAZDA name, among them the various Edison divisions of GE, Westinghouse and National companies. Most Christmas lamps after about 1925 or so will be found with either the General Electric or Westinghouse name on them, as the pair was by far the largest supplier of Christmas and



other light bulbs in the United States. Westinghouse first used the Mazda name in 1912.

In 1921, GE further specified particulars to licensees of the Mazda name with the following regulation:

'Words that are descriptive of the appearance of the lamp will precede the word MAZDA, as in the case of the White MAZDA lamp. Words descriptive of the function of the lamp will follow the word MAZDA, as in the case of the MAZDA Mill Type lamp, the MAZDA Train Lighting lamp, or the MAZDA Motion Picture lamp.'

General Electric heavily advertised their MAZDA trademark in one of the most successful advertising campaigns in history. The lamps were more expensive, but promised better, more reliable and economical operation. The buying public gradually abandoned their old carbon filament lamps in favor of the new tungsten.

In about 1920, the Edison Mazda division of

General Electric commissioned world famous artist Maxfield Parrish to create a series of calendars and other advertising paraphernalia based loosely on major events in the history of lighting. Parrish's beautiful and most effective works of art created for this advertising campaign are highly collectible and most sought after.

A typical 1920s ad by General Electric/Edison Mazda (from the December 12, 1925 edition of The Saturday Evening Post) reads in part:

'Nothing adds so much to Christmas cheer and the decoration of your home as electric light. It is the least expensive of the season's joys. For the cost of an old fashioned Christmas tree candle, for the cost of a few tree ornaments, you can light up your whole house in a blaze of cheer. And keep the cheer of Christmastide in your home throughout the year. Use light freely, for electric light is the cheapest light the world has known. Just remember that the best and cheapest light lamps to burn are Mazda Lamps. Mazda - the mark of a research service.'

As the decade of the 1930s began, Americans had fully accepted the MAZDA name as a symbol of quality for their Christmas light bulb needs, and many outfits proudly proclaimed the inclusion of MAZDA lamps in their sets.

Only the economic factors continued to be a bit of a hindrance, as a typical MAZDA Christmas lamp sold for five cents, while the Japanese tungsten equivalent were two for a nickel. Competition from the Japanese became fiercer as the effects of the Great Depression settled in, and many lighting outfit advertisements from NOMA and General Electric urged the buying public to 'Buy American'.

Comparison studies of American MAZDA versus Japanese tungsten lamps were commissioned by both General Electric and Westinghouse. Studies showed an average life of 46.8 hours for the Japanese tungsten lamps, compared to an average 207.4 hours for a MAZDA tungsten lamp, a dramatic difference. Nonetheless, the Japanese lamps gave good enough service to be huge sellers up until the beginning of World War II.

General Electric dropped the Mazda trademark in 1945, and ceased licensing the name as well. This cutoff date gives the collector a handy benchmark to use when trying to apply a date of manufacture to a light bulb. Only leftover stock carried the Mazda name on any General Electric or Westinghouse lamp sold after the 1945 cutoff.



## Ancient cemetery found in western Iran



A prehistoric burial ground has been discovered near the Iranian city of Sanandaj, located in the country's western Kurdistan Province. The 3,000 year-old cemetery, which was found during a road construction project, is located 500 meters from the previously-found ancient mound of Zagros.

According to Kurdistan's provincial cultural heritage office, so far five squat burials have been found in the cemetery, along with spears, bronze bracelets and earthenware.

Excavations, which started four days ago at the site, will continue for another week. Iran's Kurdistan Province contains 218 natural, cultural, historical and religious sites, including numerous historical villages.

Ancient bridges, the Safavid Asef Divan monument and the Khosrowabad structure are among Kurdistan's many tourist attractions.

Source: PRESS TV

## INTERPOL not to help return Iranian artifact



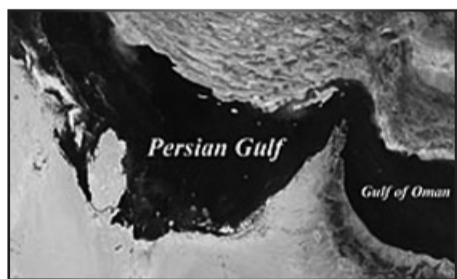
INTERPOL says it will not help the Islamic Republic of Iran locate a stolen Achaemenid bas-relief, sold at Christie's auction house. The International Criminal Police Organization (INTERPOL) says there is no evidence that the artifact was stolen from the country. This is while British Customs have informed Iran's Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization that the bas-relief is still in England. The artifact was sold in a 1974 New York auction, and the French

buyer kept it in his private collection for 30 years. Iran proposed £500,000 (\$745,000) to buy back the bas-relief. However the owner did not agree and sold it online.

The Iranian embassy in London voiced its objection to the sale, saying that the bas-relief is a cultural relic which was stolen from Persepolis 30 years before the Islamic Revolution. A stone carving of a soldier's head belonging to the ancient Apadana palace in Persepolis was auctioned in London on October 25, 2008 for an estimated \$1,188,000.

Source: PRESS TV

## Archeologist terms Persian Gulf 'World Heritage Site'



Iranian archeologist Hassan Fazeli has highlighted the importance of designating the Persian Gulf as a 'World Heritage Site.'

'The economy of the world is tied to – and depends on – the geography of the Persian Gulf,' says Fazeli, Director of the Archeology Research Center of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization (ICHTO). 'So, the registration of the Persian Gulf as a natural heritage site of the world will

strengthen Iran's ties with the Persian Gulf littoral states.'

According to Press TV, he added that the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) recognizes the geographic and cultural site as the 'Persian Gulf'. The official said that archeologists have consistently been interested in the Persian Gulf, adding, 'The Persian Gulf and cultural relations among its littoral states began to be important 10,000 years ago.'

## French archeologist urges Islamic Regime's officials to respect ancient Iranian city of Susa



French archaeologist Rémy Boucharlat has called for the Islamic Republic's cultural officials to respect the perimeter of the ancient city of Susa.

Iran's decision to construct two hotels at the perimeter of the city and destroy 10,000 square meters of Iranian heritage was described as bizarre and unbelievable by Boucharlat, who is the director of the French Institute of Iranian Studies.

The construction of the Laleh and Amir Zargar hotels began following authorization of the project by the Khuzestan Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Department (KCHTHD) in 2007. It was also approved by Esfandiar Rahim Mashaei, the director of Iran's Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization (ICHHTO).

However, the projects were halted after cultural heritage enthusiasts caused a media frenzy, and in early September 2008, Shush Cultural Heritage Centre (SCHC) director Mohammadreza Chitsaz said that the project

had been halted following a series of expert investigations.

Meanwhile, a deputy director of the ICHHTO said in mid-October that there are no obstacles to the construction of the hotels.

A team led by Mohammad-Taqi Ataii has made 61 excavations at Susa and determined a 1200-hectare perimeter for the city, as 32 of the digs have resulted in identification of ancient strata. The previous demarcation, which had been carried out decades before, determined a 400-hectare perimeter for Susa.

Susa consists of many satellite suburbs, villages and workshops, said Boucharlat, adding that the city is not limited to the 400-hectare perimeter. It is most likely that there are many ancient sites and artifacts in the area, which should be safeguarded by the Islamic Republic's cultural officials, Boucharlat said.

Susa was an ancient city in the Elamite, Achaemenid, Parthian and Sasanian dynastic empires of Iran, located about 150 miles east of the Tigris River in the Khuzestan province of Iran. Susa is one of the oldest known settlements in the region, probably founded around 4000 BCE, although the first traces of an inhabited settlement date back to 7000 BCE.

Source: CAIS

## Iran retrieves 42 stolen artifacts



The curator of Iran's National Museum says that the country has retrieved some 42 historical objects, which were smuggled into Europe. 'The collection includes a blue goat-shaped ceramic dish bearing the image of a fish, which was found in Romania,' said Mohammad Reza Mehrandish.

'The pieces found in Italy, include earthenware, silver coins and a seal, dating back to the period between the early Islamic era and the 13th century,' he added.

The objects were found through the efforts of Iran's Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization (ICHTO), and Iran's Ministry of Foreign Affairs.

Source: PRESS TV

## Mayor exiles Nativity, then brings it back

In late October, Mayor Richard K Mavis of Mount Vernon, Ohio, said on a radio call-in show that he was eliminating the nativity scene from the city's public square this Christmas season to avoid controversy.

The switchboard lit up. People were upset. By the afternoon, after consulting with legal experts, the mayor went back on local radio station WMVO and said the nativity scene would be displayed after all.

Is it appropriate and legal for governments to display the manger, baby Jesus, and Mary and Joseph on public land at Christmas, or is it an unlawful violation of the separation between church and state?

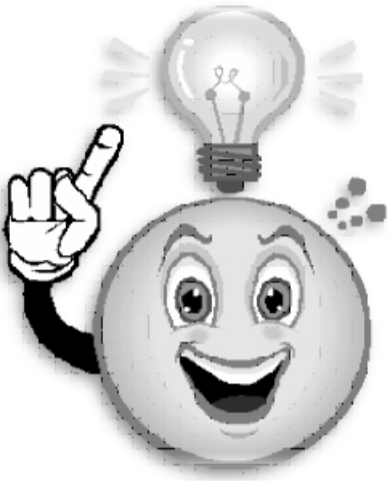
The US Supreme Court has upheld government-sponsored nativity scenes when they are displayed in context with other, secular symbols of the Christmas holiday such as Santa Claus, reindeer and a tree.

And that is what Mount Vernon now plans.

Source: The Columbus Dispatch



## Listen to your conscience



Have you ever stopped to think about how lucky you are that your finger hurts when you hit it with a hammer?

On the news recently was an eight-year-old boy in England who can't feel pain. For some reason, his nerves do not signal pain to his brain.

He doesn't know when he's hurting? He's lucky, you say? Well, that condition may just

cost him his life.

He was burned seriously not long ago by a red-hot oven door that he was leaning against and didn't realize was turned up high. He didn't realize that his skin was sizzling until he was snatched away.

Doctors can't help him. All they can do is to give him special protective clothing and help keep his wounds clean. Just as your nerve endings send signals to your brain when you're hurt, you have 'nerve endings' called a conscience, which sends signals to your heart when you've done something wrong and you know it.

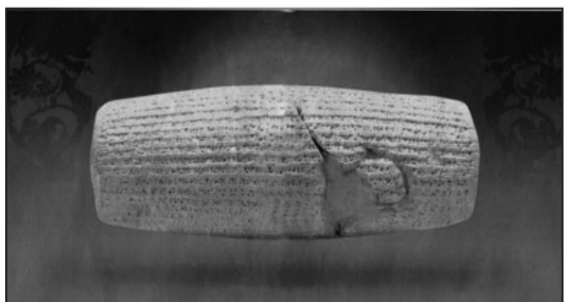
Your conscience is one of your greatest gifts. Without it, you, like the boy and the oven door, wouldn't know enough to keep from getting burned – only in a far more serious way.

Let's cultivate our consciences and learn to listen to them. We have no better friend.

Article from California Studies Weekly

### North America ZOROASTRIAN PHONE DIRECTORY

*Serving The Zoroastrian Community & more*



*Proven High Consumer Usage  
For further Information  
and Advertising Rate, Please call*

**714-893-7437**

## The Funnies



'When are you going to fix that front fence?' the farmer's wife asked Farmer Jamshid.

Farmer Jamshid answered, 'Next week when our son comes home from college.'

'But what does our son know about fixing a fence?' the farmer's wife asked.

'He ought to know a lot. He wrote me that he was taking fencing lessons.'

Junior: 'Pop, there's a man at the circus who jumps on a horse's back, slips underneath, catches hold of its tail and finishes on the horse's neck!'



Father: 'That's nothing. I did all that the first time I rode a horse.'



Boy: 'Dad, what makes lightning?'

Father: 'I don't know.'

Boy: 'Dad, what makes the snow white?'

Father: 'I don't know.'

Boy: 'Dad, you don't mind if I bother you with all these questions?'

Father: 'Absolutely not, son. How are you ever going to learn anything if you don't ask questions?'





## LostNFound

By: Roya Behmardian

Our lives, our home, always on the move  
Progressing daily, but there's room to improve

Poverty, hunger, both world issues  
Though when thought upon, some need tissues  
Remains in lives, hope it'll leave  
Be lost forever, and never retrieved

Trust in our leaders, especially politicians  
There was once a time, when we believed in their visions  
It existed, we lost it, hope was unwound  
Though it has the potential to again be found

Greed, vanity, a little in all  
Always here, where's the downfall?  
Remains in lives, hope it'll leave  
Be lost forever, and never retrieved

It's only lost if once it were in possession  
World peace existed, for a short little session  
It existed, we lost it, hope was unwound  
Though it has the potential to again be found

There's those forgotten, that plead reincarnation  
Then others, who need an un-invitation  
It's up to us, to know what belongs  
Engage in the rights, and lose all the wrongs

## *I'll always remember, a muffin tragedy on the fourth of September*

By: Roya Behmardian

Muffins are tasty, groovy, and hip  
There's blueberry, raisin, and chocolate chip  
But problems arise when muffins can't find  
That little flavor that makes them their kind  
Oh their type defines them, but I'll always remember  
A muffin tragedy on the fourth of September  
You see blueberry woke up with the blues but no berries  
Chocolate chip and raisin, with no dots in their bellies  
'Oh No, Sweet Sugar, Holy Flour, My Yeast  
I have no substance, ingredients are at least'  
Joining together, they cried and wept  
For they were now plain, a fact hard to accept  
But then a cupcake from afar saw their despair  
With teary eyed crumbs, bursting with care  
He knocked on the door, and moved his lips  
'I stole your raisin, berries, and chips'  
Muffins were angry, with their furious demeanor  
To the cupcake that thought the muffin grass was greener  
But nevertheless, the muffins found their parts  
Such little things, that were close to their hearts  
They still hold a grudge, but those muffins stand tall  
Their leader banana nut - the most competitive of all  
Said, 'They think they're so special, with that frosting on top'  
Cupcakes vs. Muffins, the feud will never stop

## Iranian artist Golnaz Fathi employs an abstract take on traditional Persian calligraphy



The art industry in Iran is booming, despite heavy economic sanctions that make it almost impossible for internationally successful artists to get paid. The US and the European Union have imposed sanctions against a number of Iranian banks, making it difficult to wire money directly into Iranian bank accounts.

Iranian artists, and the galleries that represent them, have to come up with creative ways to transfer money to the artists, some of whose works command hundreds of thousands of dollars on the international market.

Artist Golnaz Fathi employs an abstract take on traditional Persian calligraphy that has appealed to collectors in Iran and abroad. She even has a piece in the British Museum. 'I'm fortunate,' she told FOX News, 'because I can say I have clients and collectors from around the world. From America to Australia, Europe, the Middle East, everywhere.' Despite the difficulties, artists say they are glad to have an opportunity to share some of their culture with the outside world.

'I know sometimes the pressure of getting isolated, it can affect the artist,' said Fathi. 'They bring all their emotions and feelings, and things they cannot say in words, in their works.'

Fathi says she loves the thought of her art being shown in many different places and that there is a lot of young talent in Iran ripe for the plucking.

'Iran is a young country. Sixty-five percent of the population of my country is under 25 years old,' she said. 'There are so many new talents.'

Golnaz Fathi's work is currently on display at Xerxes Fine Art in London.

Source: FOX News

## Refugee camp

By Sarah Kasravi

Refugee. We have all heard this term, but what exactly does it mean? A refugee is a person who flees to refugee camps for safety in a time of political upheaval or the coming of a natural disaster.

On Sunday November 10th, the teen class at the California Zoroastrian Center was given the opportunity to attend a model refugee camp run by Doctors Without Borders in the heart of San Diego.

Every year about 42 million people are uprooted by war and, in order to keep their families safe, they flee to these camps. The camps provide a small portion of daily food for them, as well as water, shelter (in the form of a tent), bathrooms and medical treatments. Many doctors from the Doctors Without Borders organization fly to a camp and provide the medical treatment needed to fight the many diseases and illnesses people pick up while residing there. In return, the doctors receive a little salary, but a lifetime of memories.

Upon attending the camp, I came to acknowledge two vital things: always appreciate what you have, and give when you are able to. After witnessing the difficult conditions the refugees suffer, it came to my realization that every second of every day I should be thankful for all I have and receive.

At times I am ungrateful for the hot food my mom diligently prepares for me, but then I witnessed the scarce amount of food (beans, rice, salt, sugar, oil) the refugees received, and it came to my realization that I am very lucky to have hot food in my stomach.

While we toured the camp, we learned more about not only the life of the refugees but also the life of the doctors (the tour guides). Every year the doctors attend a few missions for extended amounts of time, and when they return they come home to almost nothing; just enough to buy food and needed clothing.

The doctor leading our tour said, 'When I arrive back home, I run back to my parents' door and ask if I can stay with them.'

I was dumbfounded to find out about how much love they have for their jobs, and their motive behind it all is to be able to save a precious life. Money doesn't buy happiness. Personally, I would never be able to do the gracious job of these doctors, but if I had the heart and will I would take the job in a heartbeat. After all, Ashu Zartosht has always asked for us to renew existence.



## UNDERTOW

By: Tony Banks

The curtains are drawn  
Now the fire warms the room.  
Meanwhile outside  
Wind from the north-east chills the air.  
It will soon be snowing out there.  
And some there are  
Cold, they prepare for a sleepless night.  
Maybe this will be their last fight.  
But we're safe in each other's embrace.  
All fears go as I look on your face.  
Better think awhile  
Or I may never think again.  
If this were the last day of your life, my friend  
Tell me, what do you think you would do then?  
Stand up to the blow that fate has struck upon you,  
Make the most of all you still have coming to you,  
Lay down on the ground and let the tears run from you,  
Crying to the grass and trees and heaven finally on your knees.

Let me live again, let life come find me wanting.  
Spring must strike again against the shield of winter.  
Let me feel once more the arms of love surround me,  
Telling me the danger's past, I need not fear the icy blast again.

Laughter and music and perfume linger here  
And there, and there,  
Wine flows from flask to glass and mouth,  
As it soothes, confusing our doubts.

And soon we feel,  
Why do a single thing today,  
There's tomorrow sure as I'm here.  
So the days they turn into years  
And, still no tomorrow appears.  
Better think awhile

## Dancing Snowflakes

Snowflakes are dancing as they come spiraling down,  
like tiny ballerinas all dressed in white gowns.  
Fluffy delicate flakes, cascading from the skies,  
creating visions so beautiful to the eyes.  
-----Glistening flakes, rhinestone tiaras worn as crowns.

Snow, creating coverlet of white for the ground,  
the wind is blowing, swirling downy flakes around.  
Clinging to branches of trees, a wondrous disguise.  
-----Snowflakes are dancing!

Blanketing the landscape, snow angels do abound,  
angelic figures, all sizes and shapes surround.  
Awakening to snowfall at morning sunrise,  
blissful sights and sounds, quite a wonderful surprise.  
Lasting memories to fill a lifetime are found,  
-----Snowflakes are dancing!

## Far Away

Chill your arms within my heart.  
Fear for life, from the very start.  
Burn your eyes within my smile.  
Fear for life, it's now in style.  
Far away, you've fulfilled my dreams.  
Yet far away isn't what it seems -  
Break the time, oh break the time.  
Break your heart at the drop of a dime.  
Forget the anger held inside,  
take my words and gladly abide.  
Remember the days you used to smile?  
Fear for life, it's now in style.  
Try your hardest to set yourself free,  
you'll be surprised at how strong I may be  
Since, far away you've fulfilled my dreams,  
And far away just isn't what it seems.

## Dont' Quit

When things go wrong, as they sometimes will,  
When the road you're trudging seems all uphill,  
When the funds are low and the debts are high,  
And you want to smile but have to sigh,  
When care is pressing you down a bit,  
Rest if you must, but don't you quit.  
Life is queer with its twists and turns  
As everyone of us sometimes learns,  
And many a fellow turns about  
When he might have won had he stuck it out.  
Don't give up though the pace seems slow  
You may succeed with another blow.  
Often the goal is nearer than  
It seems to a faint and faltering man.  
Often the struggler has given up  
When he might have captured the victor's cup;  
And he learned too late when the night came down,  
How close he was to the golden crown.  
Success is failure turned inside out  
The silver tint of the clouds of doubt,  
And you never can tell how close you are,  
It may be near when it seems afar;  
So stick to the fight when you are hardest hit -  
It's when things seem worse when you mustn't quit.

## Beautiful Love

Always, deep within my soul,  
I know we have a love like no other.  
What we share is something others  
only hope for and dream of,  
but few ever experience.  
Our love is magical beyond belief.  
Always, without hesitation,  
you give of yourself completely.  
You have reached the very depths of my soul,  
bringing out emotions I never knew I had  
and unveiling an ability to love  
I never thought possible.

## A Pocket Full Of Hearts

Never forget..

Preciousness takes  
All shapes and forms;  
From physical,  
Words lyrical,  
From the strange  
To the norm.

It's held within  
A longing glance;  
friendly words,  
A risk  
..or chance.

On the breeze  
Through the trees;  
Cherry smiles  
Worth your while  
Coffee fragrant  
Blossomed steam.

..Not forgotten.

In the sincere  
So very clear  
That a gift;  
Gives a lift  
And makes  
You believe.

So close, so near,  
A feeling dear  
Like a cover,  
A mother,  
Caressed like  
No other.

Fabric on skin  
Breathed like wind;  
Whisperings of plenty  
Your plate  
Will never  
..ever empty.

Forget this not..

Into a pocket  
Gold words form a rocket  
To soar like a bird  
...Up high  
Words fly  
On a wing  
Over a radiant  
Sunrise..

..of forever satisfied  
that preciousness resides..

..In a pocket full of hearts  
Displayed always..  
.. and forever with pride.

..Never to be forgotten.

## Nobody is around, let's look deep inside

- You are never given a wish without being given the power to make it come true.
- Don't let today's disappointments cast a shadow on tomorrow's dreams.
- Somewhere there's someone who dreams of your smile, and finds in your presence that life is worth while. So when you are lonely, remember it's true Somebody somewhere is thinking of you.
- Do not wait for your ship to come in, get in your boat and row out.



## *Darius (Dārayavaush) the Great and Ahura Mazda*

By Behram Deboo



Touching god

Visiting Darius and Ahuramazda at the Behistun Inscription was as close to a religious experience that I have ever had.

In the Old Persian inscription at Behistan, we read 'Adam Dārayavaush khshāyathiya vazarka khashāthiya khashāthiy', which means 'I am Darius the Great king. King of Kings.' Darius further states. 'My father [pitā] is Vishtāspa; Vishtāspa's father was Arshāma [right power]; Arshāma's father Ariyāramna [Aryan peace]; Ariyāramna's father Chispish; and Chispish's father Hakhāmanish. For this reason, we are called Hakhāmanish.' The word pitā is interesting. In Avesta, it is Pta, which Zarathushtra uses in Gathas. In Gujarati, it is pitā. This word actually means nourisher, protector, father, etc.

Darius ruled from 521 to 486 BCE. The fact that he uses Ahura Mazda many times at different locations in all his inscriptions proves that he was, indeed, a devout Zarathushtrian. He thanks Ahura Mazda for all his achievements and is ever grateful for His grace. He says, 'I am a king vashnā auramazda - by the will [vashnā] of Ahura Mazda, and Ahura Mazda bestowed upon me the kingdom.'

Vashnā means favor, grace or will, equivalent to Arabic Insha'Allah or Persian Ommideh Khoda. His kingdom was vast, consisting of diverse peoples whom he treated in the spirit of Cyrus the Great, with wisdom and benevolence.

According to Dr Mirza, he allowed the conquered nations to rule their countries, to follow their religions, and to observe their customs and traditions. In a speech at the California Zoroastrian Center on December 6, 2008, Professor Tooraj Daryae confirmed the fact mentioned above. He called the empire 'benevolent' also.

Since people were allowed to worship their gods, the Hakhamanishian kings described Auramazda as the greatest God. An inscription at Persepolis reads, 'Auramazda vazraka hya mathishta bagānām' or 'Great Ahuramazda is the greatest of gods.'

As far as Darius was concerned, Auramazda was the greatest God of all gods of his empire. Later on, this equation might have changed as other gods started taking their positions in the Zoroastrian theology.

Unfortunately, some Western scholars believed that Cyrus and Darius were polytheists. These scholars could not understand the tolerance these great kings showed to their subjects for worshipping gods other than Auramazda, though there was an effort to incorporate Auramazda with Varuna and Mithra much later.

Western scholars have perpetrated another misconception that the picture of the Farvahar represents the visible symbol of Ahura Mazda. However, the design of the Farvahar can be traced back to ancient Egypt, from where it spread to different countries.

As far as modern Zoroastrians are concerned, Ahura Mazda remains the supreme God, based on the fact that they return to Gathas for their true identity and spiritual growth.

May the spirit of Darius the Great shine forever.

Source: Old Persian Grammar Texts Lexicon, by Roland G Kent, Professor Emeritus of Indo-European Linguistics, University of Pennsylvania

## Praise of Zarathushtra and the Gathas by an unknown poet

The following hymn was composed by an unknown poet and placed before the beginning of the first song, Yasna 28, as an admiring salutation.

yanim mano yanim vacho yanim shyaothnanem  
Ashaone Zarathushtrahe  
fera Amesha Spenta Gathao guervain  
nemo ve Gathao ashaonish

Let us break down this verse word by word so that we can understand the meaning of it. Many readers complain that there are different translations that confuse them. The reason is that scholars translate the same word by using words that mean the same thing. No doubt, sometimes the meaning is completely different.

1. yanim: Scholars have given many meanings to this word such as a. ideal, b. inspiration, c. blessing (as translated in Sassanian Pahlvi), d. guidance and way, e. adoration, highly-esteemed, respected and worshiped. We can see in this example that all the words almost mean the same thing.

2. mano thought

3. vacho word

4. shyaothnanem deed. Yet some scholars have translated in plural.

5. Ashaono holy, righteous, etc

6. fera guervin the word fera implies emphasis. It is used in Avesta. Fera was used in classical Persian to mean the same thing. Guervin is the short form of guervayen. These two words will translate as 'may definitely accept'.

7. Gathao the plural of Gatha. The word derives from the verb root Ga, meaning to sing. Tha is a suffix making the verb into a noun. So Gathao means 'songs'. Here I would like to point out that in Buddhism and Jainism, the word Gathas is used to mean 'holy scriptures'.

8. ashanone here this means 'sacred'. The word is derived from Asha, which has many meanings depending upon where it is used.

9. nemo homage

Translation can be done in many ways.

Righteous or holy Zarathushtra's thought (is) an ideal, blessing, inspiration, etc;

Righteous or holy Zarathushtra's word (is) an ideal, blessing, inspiration, etc;

Righteous or holy Zarathushtra's deed (is) an ideal, blessing, inspiration, etc;

May Amesha Spenta definitely accept the Gathas,

Homage to you, O sacred Gathas.

(Ref: Taraporewala, Humbach, Chatterji, West and others).

Thus we see a beautiful and simple introduction to Zarathushtra and his Gathas.

Become an expert in  
Zoroastrian Religion

Earn your doctorate degree  
in Zoroastrian Studies

**Spenta University**

[www.spenta.edu](http://www.spenta.edu)



Spenta University



## The President's Race

By **Tehran Ghasri**

Unless you have been on Mars for the past six months, you already know that on November 4th, 2008, Barack Hussein Obama II (better known simply as Obama) was voted the 44th President of the United States by a sweeping general election.

And unless you are blind, deaf and living underground, you know that President-elect Obama is Black. Making him about to become the first Black President of America. Actually making him the first non-White President in the history of the United States. In comparison, just 40 years ago, it was a big deal that John F Kennedy was Irish. Now we have a 'Black' president. But what exactly makes him Black?

With a Caucasian mom and a father from Kenya, and raised by his 'White' grandmother, Obama is just as White as he is Black. Why is he not another 'White' President? Is he not also half White?

Born in Hawaii, raised in Jakarta, and Ivy League-educated, Obama is as multi-cultured as anyone. Why is he not the first 'multi-racial' President? Is he not also multi-racial?

The questions remain: What makes Obama Black? How big a part did race play in the election?

Well in 1977, the United States Census Bureau officially classified 'Black' or 'African-American' as a 'person having origins in any of the Black racial groups of Africa'. In United States courts before the 1977 ruling, a person was Black if he had 'one drop' of Black blood.

Known as the one-drop rule, this was used to determine race, lineage, and rights to property. Different states had different laws. In my home state of Virginia, a person was Black if he or she had 1/16th Black ancestry. Ironically it was Black activists who did not want to recognize 'mixed' or 'bi-racial' race classifications, in order to keep a unified solidarity of the Black race. There are approximately 40 million 'Black' people in the United States today.

Eighty-five percent of White Americans classify President-elect Obama as Black, while 66 percent of African-Americans consider him Black when told he has a White mother. Obama is generally considered to be Black, and race was on the mind of many Americans as they headed to the voting booths this year.

Racism is the belief that race is the first determination of human traits and capacities, that racial differences make one race better than another. It is treating people differently merely based on the color of their skin or their cultural background. When we think of racists, we usually picture white hoods, burning crosses, rednecks in pick-up trucks, and Nazi Germany. That wasn't the case this year when many Americans came face-to-face with their prejudices and had to overcome racial discrimination in order to elect a Black president.

Most racism happens at the water cooler. It happens when an employer does not hire someone because their name sounds too Black, or maybe they look too Black. It happens when a coach assumes a Black kid is good at basketball and listens to rap music. It happens when security watches a Black shopper, or maybe a sales person ignores a Black lady in the shoe department. It happens when police officers pull over a car full of Black kids, or maybe the judge gives a Black defendant a bigger punishment. The fact is it happens.

In fact 40 percent of White voters admitted that race was a factor and that they thought in part negatively of Obama, according to Time Magazine. Eight percent admitted they were not voting for Obama simply because he was Black. That may not sound like a lot, but eight percent of White votes equals about 15 million votes. Votes that Obama did not get, simply because he was Black.

Fifteen million voters ignored the fact that Obama was President of the Harvard Law Review. They ignored the fact that he finished top of his class at Columbia University, with degrees in Political Science and International Relations, after receiving a full academic scholarship.

They ignored the fact that he graduated from Harvard Law, magna cum laude (with perfect grades). They ignored the fact that he has an immaculate record as an Illinois state senator. That his wife is also a Harvard graduate. That his team is made up of the finest economic and political minds of the 21st century. That he has an outstanding record of diligence, is an eloquent speaker, and looks like Denzel Washington.

They ignored all this simply because he is Black. (Or maybe because Sarah Palin looked that good in a short dress... hee hee.)

In case you had not noticed, I too am half Black. My mix is maybe more rare than Obama's. I too am multi-ethnic and multi-cultured. And, unfortunately, like President Obama, I too have been the victim of racism and discrimination. Sometimes even from other Zoroastrians.

America is a successful country because no other country in the world has so many different ethnicities, races, and cultures living side by side, for the most part peacefully. America takes the best of each person and unites to make it even better. America is not perfect but, as this election showed, it has the ability to grow.

We too must grow as a people. Become more accepting and tolerant of other races, religions, colors, and creed. We are a new generation of Zoroastrians, stronger and more prepared than any other. Ready to face new challenges and overcome old adversities. We must unite as a community because acceptance is the Zoroastrian way.

Is their being Black a good enough reason not to elect someone President, especially in these hard times? Right now America needs the BEST, regardless of whether they are White, Black, green, yellow, red, blue, or magenta.

All signs point towards Obama being the best. An overwhelming electoral win means the American people think so as well. Regardless of whether you voted for Obama or not, he is certainly right about one thing – it is time for change!

In any sense Obama's win is a victory for civil rights movements all over the world and one more step towards equality for humanity. Many people feel that Rosa Parks sat so that Martin Luther King Jr. could walk. Martin Luther King Jr. walked so Obama could run. I feel Obama ran so that the rest of us could fly.

Zoroastrians were the first people to believe that there was only one race, the human race. Together we must fly above the culturist attitudes and pettiness of racism. Can we do it? "Yes we can!"

Oh, and in case you were wondering... Obama considers himself to be Black. It's just funny how no-one ever asks.

## Yes WE can: reflections and resolutions

By **Niaz Kasravi, PhD**

Every year at this time, I tend to get a bit reflective, thinking about the year that we are leaving behind, and looking ahead to how we can make the year ahead better, building on lessons from the past.

2008 has been an exciting year in every sense. We have witnessed history in the making, with Barack Obama being elected the first Black president of the United States. We, as a nation, were made to face issues of racial prejudice that have permeated our history. Indeed, it is amazing that a nation built on slavery and genocide, has now elected a half-Black man, the son of an immigrant, to the White House. Which makes us believe: anything is possible. But if we want change, we each have to act.

Look back two years ago. At that time, did you believe that the elections would have turned out the way they did? Regardless of which side of the political spectrum you associate with, to many people, it seemed almost impossible for a young Obama to end up in the White House. Many factors played a role in getting him there, but the main reason was the nearly flawless, grassroots campaign organized by ordinary individuals from all across the country.

There is such a sense of empowerment in this. Especially when we look at the issues we are dealing with today across the globe: war, poverty, genocide, a gloomy and growing economic crisis. It can make us feel helpless in the face of it all. So what can one person do? Anything you choose.

In the Obama Campaign, students, the elderly, and average citizens did anything from holding house parties, collecting donations for as little as \$25, educating their friends, to passing out voter registration information at metro and bus stops.

So here is my resolution for the new year: in each issue, the Humanity section of the Zoroastrian Journal will feature and highlight the work of one charitable organization. You will be introduced to a variety of good causes and will be able to get involved with those about which you feel passionate.

The recent economic crisis is, no doubt, hurting us all. But those that are most impacted remain the ones who are at a disadvantage due to poverty, war, injustice and other conflicts that are a reality for many of our fellow human beings. We have a lot to be thankful for, and if we are to leave a better world for our children, giving back something – big or small – is a must. We can continue to keep changing the world only if we continue to believe that we, each of us, have the power to do so.

If you have any questions, or you have suggestions about what organizations to highlight, please contact me at: [niaz@yahoo.com](mailto:niaz@yahoo.com).





**COLDWELL  
BANKER  
COMMERCIAL**

**Ramin Ostowari/REALTOR®**  
CA DRE #01322564

Commercial & Residential Investment Services  
Specializing in Multifamily Apartments, Industrial,  
Office And Retail

27742 Vista del Lago, Suite #1  
Mission Viejo, CA 92692

Phone: 949.230.7231  
Fax: 866.773.1262  
[ROstowari@ColdwellBanker.com](mailto:ROstowari@ColdwellBanker.com)

"When you want results and not just promises"



## Gundishapur, the world's oldest university

By Tamara Ebrahimpour



The ancient Iranian city of Gundishapur, located in the country's southern province of Khuzestan, was founded in 271 BCE by the Sassanid king, Shapour I.

The ninth king of the Sassanid Empire, Shapour II, chose the city as his capital and built the world's oldest known medical center, which also included a university and a library with an estimated 400,000 books.

Gundishapur hospital became the most important medical center during the 6th and 7th centuries and attracted many distinguished scientists from Greece, Egypt, India, and Rome.

Khosrow Anushiravan, who ascended the throne in 531 CE, added an observatory and a school of sciences to the Gundishapur complex, where they taught medicine, anatomy, dentistry, astronomy, mathematics, philosophy, military commandship, architecture, craftsmanship, agriculture and irrigation, and geometry.

Scholars and graduates were later appointed to important governmental positions, and physicians needed a license to practice medicine. The Sassanid king also set up some organizations to administrate the affairs of physicians, test them and grant them their academic degrees.

Historical sources indicate that newly graduated doctors would take special exams in order to obtain the right to practice. Anushiravan organized the world's first medical symposium in Ctesiphon in 550 CE, in which hundreds of physicians and religious fig-



ures from different countries participated. Some five thousand students were studying at Gundishapur during the reign of Anushiravan, with five hundred scholars teaching in different scientific fields. Students were initially taught in Greek or Syriac but later, during the sixth century CE, the Pahlavi language was also added to the curriculum.

The king was able to mix eastern and western sciences of the time by inviting numerous Greek and Roman physicians to teach and conduct research at Gundishapur. Anushiravan welcomed the Nestorian physicians and Greek philosophers of the famous School of Edessa after it was closed by the order of the Byzantine emperor.

He also dispatched the famous Iranian physician Borzouyeh to India to learn the traditional healing techniques of the country and invite Indian scholars to Gundishapur. Borzouyeh is said to have returned with numerous medical and scientific books, along with herbal plants, chess, and a number of Indian doctors.

Anushiravan arranged panel discussion sessions among prominent physicians to create a better ground for the exchange of skills and experiences. At Gundishapur, students were trained, the ill were cured, and medical books were gathered, translated and compiled, to be used as scientific references for a long time thereafter.

After the beginning of the Islamic era in Iran, many Gundishapur physicians went to Baghdad, where the Abbasid Caliph Harun al-Rashid and his successor established the House of Wisdom based on the Persian academy.

When the intellectual center of the Abbasid Caliphate shifted to Baghdad, Gundishapur gradually lost its importance. Although the original Gundishapur complex has fallen in ruins, students at the nearby Gundishapur University of Medical Sciences quench their thirst for knowledge in the spirit of those who once brought the center to its glory.

Source: Press TV

## PHILOSOPHY

### *Good and evil*

By Ali A. Jafarey, PhD

Because of the sufferings we observe in what appears to be a hostile world of natural disasters and human cruelties, the existence of 'evil' has always posed a perplexing problem. Intellectuals of all ages and lands have tried to solve it. Most of them have acknowledged it as a stubborn fact of life.

Attitudes towards evil range from optimism to pessimism, cynicism and skepticism. There are those who do not believe in evil and state that it does not exist; those who argue that just as darkness is nothing but the absence of light, evil darkens where good does not shine; those who say that one cannot fight evil and therefore should submit to it; those who want to escape evil and retire from the world by leaving behind all human wishes and desires; and those who acknowledge shortcomings and want to overcome them by facing them.

People do not necessarily belong strictly to one of these broad classifications. Many share a little of each theory and have mixed philosophies, or express different ideas at different times.

People are divided again on the source of evil. There are those who believe in strict patriarchal/matriarchal divinity/divinities, and see suffering as punishment for wrong deeds. There are those who think that, just as there are good and bad chiefs and kings, there are good and evil entities that bring happiness or misery. There are those who believe that the gods have created human beings as their toys and enjoy playing around with them. There are those who believe in a rebel divinity who is causing all the trouble. There are those who are dualist, and maintain that both good and evil are primal and co-existing. There are those who see the two as positive and negative poles that meet to create energy and existence. There are those who see the world as imperfect or in its infancy, and that its sufferings lead toward perfection.

All have their logic, philosophy, stories, legends, or myths to elaborate. Many believe that evil exists in the universe and many confine it, some in vague terms, to the human world.



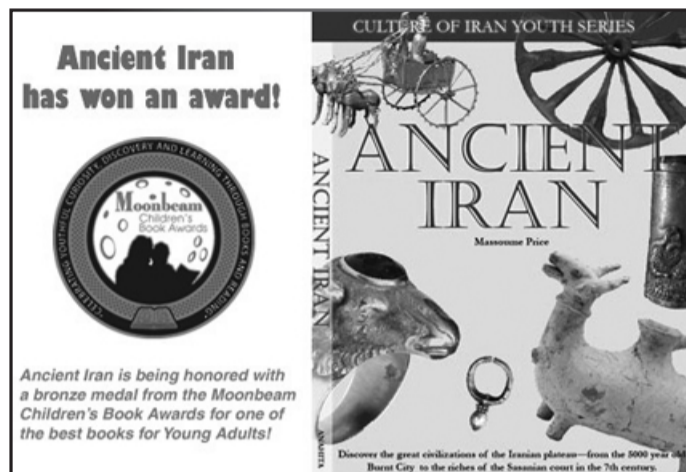
Zarathushtra observes the universe as a good creation of God and sees no evil in it. It is a cosmos – an orderly harmonious system. However, there are indications that he sees the universe in its infancy, complete in every form but growing to perfection and immortality.

As regards good and evil, he confines both to the human mind, not outside, not in the cosmos. Man thinks and thinks constantly. His thoughts are either good or bad, beneficial or harmful. When translated into speech or action, they yield a result – good or bad.

The Gathic term for mentality or mind is mainyu. In his songs, he calls the good once spanyo, meaning 'more increasing, more progressive, and once vahyo, meaning 'better'. He terms the evil once angra, meaning 'retarding, twisting', and once aka, meaning 'bad'. The two represent the duality only, and only in the human mind and within human society. The dualism in the Gathas is purely ethical in nature.

The criterion for 'better' or 'more progressive' thought, word, and deed is the beneficial effect on human society in particular and the world in general. If not, it is 'bad' or 'retarding'.

## Ancient Iran wins Moonbeam Children's Book Awards bronze medal



Ancient Iran, a pictorial history for young readers by Massoume Price, has won the Moonbeam Children's Book Awards bronze medal for one of the best multicultural non-fiction books in 2008.

The Moonbeam Awards, one of the most prestigious in the US, are dedicated to identifying the best children's books published

each year for the North American market. The Awards are one of the fastest growing US-based contests focused on children's books.

Winner, Finalists, and Honorable Mentions appear for an entire year at [www.moonbeamawards.com](http://www.moonbeamawards.com). Winners will also be featured in [www.IndependentPublisher.com](http://www.IndependentPublisher.com) and highlighted prominently in their newsletter, which goes out to more than 20,000 subscribers worldwide, many of whom are agents, buyers, and librarians.

The 138 medalists listed this year were chosen from a total of 1,085 entries (an average of 36 per category). Many of these books are by little-known authors, illustrators and publishers from around the world, and the award brings them to the attention of the children's book audience. Creating books that inspire our children to read, to learn, and to dream is an extremely important task, and these awards were conceived to reward those efforts.

Ancient Iran was chosen in category 20, which selects and rewards the best multicultural non-fiction books of the year published globally. The book was recently published in Vancouver by the author and social anthropologist, Massoume Price.

Educated in both Iran and England, Price has written extensively on many aspects of Iranian culture. Her book *Iran's Diverse Peoples* (2005) was called by the Middle East Quarterly 'a must read for anyone who wants to understand ethnic and religious diversity in Iran.' The book has already become a bestseller amongst the Iranian community in Canada.

ISBN 978-0-9809714-0-8, Hardcover, 72 pages, 8.77 X 11.18, \$19.95 US/CDN

## Cancer update from Johns Hopkins

1. Every person has cancer cells in the body. These cancer cells do not show up in the standard tests until they have multiplied to a few billion. When doctors tell cancer patients that there are no more cancer cells in their bodies after treatment, it just means the tests are unable to detect the cancer cells because they have not reached the detectable size.
2. Cancer cells occur between six to more than 10 times in a person's lifetime.
3. When the person's immune system is strong the cancer cells will be destroyed and prevented from multiplying and forming tumors.
4. When a person has cancer it indicates the person has multiple nutritional deficiencies. These could be due to genetic, environmental, food and lifestyle factors.
5. To overcome the multiple nutritional deficiencies, changing diet and including supplements will strengthen the immune system.
6. Chemotherapy involves poisoning the rapidly-growing cancer cells and also destroys rapidly-growing healthy cells in the bone marrow, gastro-intestinal tract etc, and can cause organ damage, like liver, kidneys, heart, lungs etc.
7. Radiation, while destroying cancer cells, also burns, scars and damages healthy cells, tissues and organs.
8. Initial treatment with chemotherapy and radiation will often reduce tumor size. However prolonged use of chemotherapy and radiation do not result in more tumor destruction.
9. When the body has too much toxic burden from chemotherapy and radiation, the immune system is either compromised or destroyed, hence the person can succumb to various kinds of infections and complications.
10. Chemotherapy and radiation can cause cancer cells to mutate and become resistant and difficult to destroy. Surgery can also cause cancer cells to spread to other sites.
11. An effective way to battle cancer is to starve the cancer cells by not feeding it with the foods it needs to multiply.
12. Meat protein is difficult to digest and requires a lot of digestive enzymes. Undigested meat remaining in the intestines become putrefied and leads to more toxic buildup.
13. Cancer cell walls have a tough protein covering. By refraining from eating meat or eating less meat, it frees more enzymes to attack the protein walls of cancer cells and allows the body's killer cells to destroy the cancer cells.
14. Some supplements build up the immune system (IP6, Flor-sence, Essiac, anti-oxidants, vitamins, minerals, EFAs etc.) to enable the body's own killer cells to destroy cancer cells. Other supplements like vitamin E are known to cause apoptosis, or programmed cell death, the body's normal method of disposing of damaged, unwanted, or unneeded cells.
15. Cancer is a disease of the mind, body, and spirit. A proactive and positive spirit will help the cancer warrior be a survivor. Anger, un-forgiveness and bitterness put the body into a stressful and acidic environment. Learn to have a loving and forgiving spirit. Learn to relax and enjoy life.
16. Cancer cells cannot thrive in an oxygenated environment. Exercising daily and deep breathing help to get more oxygen down to the cellular level. Oxygen therapy is another means employed to destroy cancer cells.

### WHAT CANCER CELLS FEED ON?

- a. Sugar is a cancer-feeder. Cutting off sugar cuts off one important food supply to the cancer cells. Sugar substitutes like NutraSweet, Equal, Spoonful, etc are made with Aspartame which is harmful. A better natural substitute would be Manuka honey or molasses but only in very small amounts. Table salt has a chemical added to make it white in color. Better alternative is Bragg's aminos or sea salt.
- b. Milk causes the body to produce mucus, especially in the gastro-intestinal tract. Cancer feeds on mucus. By cutting off milk and substituting with unsweetened soy milk, cancer cells are being starved.
- c. Cancer cells thrive in an acid environment. A meat-based diet is acidic, and it is best to eat fish and a little chicken, rather than beef or pork. Meat also contains livestock antibiotics, growth hormones and parasites, which are all harmful, especially to people with cancer.
- d. A diet made of 80 percent fresh vegetables and juice, whole grains, seeds, nuts and a little fruits help put the body into an alkaline environment. About 20 percent can be from cooked food including beans. Fresh vegetable juices provide live enzymes that are easily absorbed and reach down to cellular levels within 15 minutes to nourish and enhance growth of healthy cells. To obtain live enzymes for building healthy cells, try and drink fresh vegetable juice (most vegetables including bean sprouts) and eat some raw vegetables two or three times a day. Enzymes are destroyed at temperatures of 104 degrees F (40 degrees C).
- e. Avoid coffee, tea, and chocolate, which have high caffeine. Green tea is a better alternative and has cancer-fighting properties. It is best to drink purified water, or filtered, to avoid known toxins and heavy metals in tap water. Distilled water is acidic, so avoid it.

Source, IranDokht

## Damavand registered as Iran's first National Natural Heritage Site



Iran's Mount Damavand has been designated as the country's first National Natural Heritage Site. At an elevation of 5,628m (18,406ft), Mount Damavand is Iran's highest peak. It is a dormant volcano, which was active in the Quaternary Period.

Located in the middle Alborz Range, near the coast of the Caspian Sea, it is the highest peak in the Middle East and the tallest volcano in all of Asia. The Damavand peak is shrouded in snow throughout the year. The most important thermal springs on its slopes are Ab Ask and Larijan.

Damavand has been a symbol of Iranian resistance against foreign domination in Persian poetry and literature, with numerous

references in the country's most important epic work, Ferdowsi's *The Book of Kings*. It has also been eulogized in many other literary and mythological contexts as the symbol representing the national pride and independence of the Iranian nation.

Mount Damavand was submitted to UNESCO's tentative list for registration as the country's first Natural World Heritage Site. Iran's Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization (ICHHTO) believes the world registration of Damavand will help protect the diverse flora and endemic species, as well as the endangered plants growing around its gorgeous slopes.

Source: Payvand News



## Yalda, Christmas and Hanukkah

By Bahman Noruziaan

For Zoroastrians, keeping their identity in huge non-Zoroastrian communities is a matter of existence and non-existence.

We are fast approaching Christmas, its holidays, its celebrations, its beauties and its wonders. Many Zoroastrians, who are concerned about holding up their traditions and identities, have tried to stay away from Christmas traditions, in order to avoid the subtle intrusion of the Christian religion into their households. After all, Christmas is considered as the birthday of Jesus.

We feel the happiness of the occasion, enjoy the glory of such days, and express our happiness to our Christian colleagues, friends and neighbors at these times. But they, and I, wish to stay Zoroastrians.

Some Zoroastrians, however, have given in to the demands and wishes of their children, and perhaps the pressure of the environment, and have maybe even accepted Christmas as their own celebration, with or without knowing its religious influences on their families. They celebrate Christmas in their homes with Christmas trees. Some Zoroastrian associations also celebrate Christmas!

Jews, who are in the same boat as Zoroastrians, albeit with a much larger population, have found a harmony with this wonderful time of the year, by celebrating their own religious festival of Hanukkah. Their families are joyous, happy and merry, along with the rest of population, not for Christmas but for their own Hanukkah.

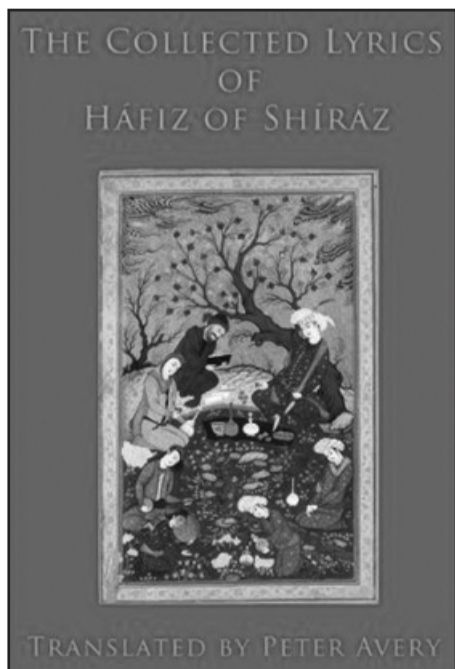
We Zoroastrians have a very rich and ancient Iranian tradition to celebrate around the same time of the year, and that is the Yalda festival, on the last day of fall, or better to say the last night of fall and right before the first day of winter.

Yalda is the celebration of the rebirth of light since, from the first day of winter, days get longer and nights get shorter. Light overcomes darkness again from that morning!

It is noteworthy to mention that some scholars believe that Christmas is a fabricated day, and is actually a continuation of the Yalda celebration by Mithraists. Some scholars also believe that many Christmas traditions are actually the continuation of the traditions of Yalda. So I suggest that rather celebrating Christmas, for those who want to have a spirit of celebration in their homes and still remain Zoroastrian, and for those who have been staying away from Christmas celebration in their homes, like me, Yalda is the celebration to have!

Happy Holidays!

## Renowned British Iranologist Professor Avery passes away



Distinguished British scholar and eminent Iranologist Peter Avery has died in the UK at the age of 86. Professor Avery was honored by Iranian President Mahmoud Ahmadinejad as a literary figure in the First International Farabi Festival this year, with a prestigious award for devotion to studying humanities including Persian literature and history.

In a ceremony to honor the professor at the Iranian Embassy in London in May this year, Avery said his biggest happiness in life had been his experience of studying Iran and Persia.

'I whole-heartedly appreciate the honor by the Iranian government given to me. I am happy to have connections with Iran and Iranians who enjoy a culture rich of civilization, kindness, truthfulness and understanding,' he said in the ceremony.

Iranian Ambassador to London Rasoul Movahedian consoled the chancellor at Cambridge University and said that he hoped other scholars would continue Avery's path of introducing Iranian culture and literature.

Avery, who began his career as an educational liaison officer with the Anglo-Iranian Oil

Company in 1949, also described the Islamic Republic as 'my second homeland'. In 1958, he came to the University of Cambridge as a lecturer in Persian Language, Literature and History, becoming a fellow of King's College in 1964.

He spent many years of his life studying Persian literature and wrote much about Iran's history and Persian literature. His translation work included such lasting Iranian masterpieces as the The Collected Lyrics of Hafiz of Shiraz, Attar Neishabouri's Manteq Al-Teir (Conference of the Birds) and Omar Khayyam's Quatrains, first published in 1979. Professor Avery authored several books on the history of Iran, including The Age of Expansion and Medieval Persia and Modern Iran, published in 1965.

During his career, he served as one of the members of the editorial board of the multi-volume Cambridge History of Iran, and edited its final volume entitled From Nader Shah to the Islamic Republic, published in 1991.

Source: Payvand News

## Jashan ceremony for Zoroastrian Studies graduate and PhD students



On Thursday December 11th, 2008, a Jashan ceremony was performed for Dr Jennifer Rose and her Claremont Zoroastrian Studies graduate and PhD students, as well as their guests. The Jashan ceremony was performed by Mobed Rostam Vahidi and Mobed Bahram Deboo in a spirit of solemnity and spirituality, and to bring students in touch with the Zoroastrian community.

Before the ceremony, Mobed Deboo talked about meaning of Ahura Mazda and His attributes, Amesha Spentas, and the significance of Jashan. After Afrigane Dahman and Afrine Arda Fravash were performed, everyone stood up and held each other's hand and prayed Ashem Vohu. Mobed Vahidi prayed Tandorosti for all. Everyone was impressed when Professor Rose and her students covered their heads out of respect for the Jashan ceremony and prayers.

Below are the content of Mobed Deboo's talk and a summary of the prayer:

### Jashan Ceremony - Afringans:

The word Jashan means 'worship, praise and thanksgiving to Ahura Mazda for His bountiful blessings.' In this ceremony, God and His attributes, all His powers and forces in nature are invoked and thanked for providing the blessings of life.

The ceremony is divided into three parts: preface, blessings and benediction. It is of two types: one is performed for seasonal festivals, happy occasions, birthdays and historical events, and the other for memorializing the death anniversaries of departed souls.

### A summary of the prayer:

May the glory of the light and wisdom of this good religion spread to the seven regions of the world. May there be success, joy and happiness among people, and may their souls rejoice. Whatever goodness is performed, may it reach the treasure of the House of God and be distributed among all good people. In this house, may noncompliance to the Divine rule be removed. May peace, not discord, enter here. May charity and generosity come instead of malevolence. May humility overcome arrogance, and may the truth triumph over falsehood. May we unite in oneness with truth and uprightness.

Report by WZNN

[Picture credit: Ardeshir Baghkhaniyan]



## Lives Worth Celebrating



The California Zoroastrian Center's (CZC) 11th Cultural Conference was held on December 6th, 2008, at Morvarid Hall in the CZC. The conference themes were 'Zoroastrian youth identity in the 21st century' and 'Living in a diaspora'.

The conference was planned and managed by the Council on Persian Culture (CPC), under the auspices of the CZC. The highlights of this conference were two-fold. Firstly, the CZC acknowledged and appreciated the selfless dedication of Mrs Fataneh



Farid and Dr Ali Jafarey, and presented them with lifetime achievement awards. The award, a crystal statue of a flame, symbolizes Zarathushtra's mantras and is a token of Zoroastrian appreciation.

A significant portion of the event was devoted to the acknowledgement and appreciation of Dr Jafarey's and Mrs Farid's lifelong service and selfless dedication to the Zoroastrian faith and its teachings.

Secondly, the 11th Conference was the first conference which was mostly stage-managed



by our Zoroastrian youth, of whom we are so proud and to whom we are so thankful. The conference was attended by Mrs Fataneh Farid, Dr Ali Akbar Jafarey and Dr Farhang Mehr, among others. CZC, the organizers of the event, described the conference goals and programs for this year. Dr Bahram Goshtasbi, chair of the CZC's board of directors, opened the conference with a short speech.

The next speaker was Dr Mitra Dinyari, who discussed some of the challenges that parents face guiding their youth in the Internet era. She was followed by Dr Amini Saam,



who gave a speech on Iran's ancient history. It is noteworthy that Dr Saam has also presented President George W. Bush with aspects of Iran's ancient history, in particular Cyrus the Great's human rights cylinder.

In his talk, Dr Farhang Mehr emphasized that religion is a personal choice and that



people should have the right to pick their faith (Zoroastrianism among others), regardless of their ethnicity, background or nationality. He also described some of his memories of Dr Jafarey and Mrs Farid, and gave a brief account of how the Zoroastrian Assembly was established.

Dr Dariush Irani, one of the founders of CZC and the Zoroastrian Assembly, paid tribute to Dr Jafarey and Mrs Farid. Mobed Dr Rostam Vahidi mentioned that he was proud to have been one of Dr Jafarey's students.

Mobed Kamran Jamshidi, a member of the World Zoroastrian Council from Paris, talked about identity, and compared western and eastern attitudes towards what constitutes a person's identity.

At the end of the program, Mehraban Homaei, a member of the CZC's board of trustees, thanked the organizers of the conference.

We certainly hope that this event will encourage other organizations to celebrate Mrs Farid's and Dr Jafarey's achievements, and thus recognize and appreciate the enormous contributions they have made for so many years.